

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Gender and Criminal Justice: Assessing the Performance
of International Criminal Tribunals in Recognizing the
Gender Dimensions of Forced Marriage

Authors: Heidar Piri | Negin Gholami

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2026.248750.3842>

جنسیت و عدالت کیفری: ارزیابی عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی
ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری

نویسندگان: حیدر پیری | نگین غلامی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2026.248750.3842>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Gender and Criminal Justice: Assessing the Performance of International Criminal Tribunals in Recognizing the Gender Dimensions of Forced Marriage

Heidar Piri • Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author) h.piri@uok.ac.ir

Negin Gholami • Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. n.gholami@uok.ac.ir

Abstract

Context & Objective: Forced marriage has recently gained prominence in international criminal law as a significant form of gender based violence within armed conflicts and repressive regimes. This research evaluates the performance of international criminal tribunals in recognizing and addressing the gendered dimensions of this phenomenon. The study outlines the evolution of forced marriage from a neglected harm to a prosecuted crime across various jurisdictions including the Special Court for Sierra Leone the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia and the International Criminal Court. The primary research purpose is to analyze the efficacy of the international criminal justice system in reflecting gendered realities within judicial processes while filling gaps in existing legal literature. The central research question asks whether existing mechanisms and legal interpretations are capable of capturing the multifaceted gendered nature of forced marriage or if structural biases continue to impede comprehensive justice for victims.

Method & Approach: This study employs a doctrinal research methodology primarily through library and documentary analysis. The investigation involves a comprehensive review of international treaties conventions and the constitutive statutes of international tribunals. The approach includes a detailed examination of landmark judicial decisions and case law from the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia the International Criminal Tribunal



for Rwanda the Special Court for Sierra Leone the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia and the International Criminal Court. Additionally, the research synthesizes insights from prominent international law scholars and legal practitioners to evaluate the intersection of criminal justice and gender theory.

Findings: The research finds that forced marriage is an inherently gendered crime rooted in patriarchal structures that target women based on socially constructed roles of domesticity and reproduction. While international jurisprudence has progressed by increasingly identifying forced marriage as an independent crime under the category of other inhumane acts rather than subsuming it strictly under sexual slavery significant challenges remain. The analysis reveals a lack of a unified approach across tribunals with varying characterizations including conjugal slavery and sexual slavery which often leads to legal ambiguity. Although the International Criminal Court decision in the *Ongwen* case marked a milestone by focusing on the imposition of marital status and the violation of relational autonomy findings indicate that structural gender biases still hinder a full understanding of systemic violence. Specifically judicial interpretations frequently rely on physical or objective criteria for coercion while neglecting the psychological and social pressures uniquely affecting female victims.

Conclusion: The research concludes that formal recognition of forced marriage is insufficient to achieve substantive gender justice. Achieving a truly gender sensitive framework requires the explicit criminalization of forced marriage as a standalone offense within the Rome Statute. Legal definitions must be expanded to encompass physical structural and psychological coercion and the diverse gendered motivations behind such crimes including the control of reproduction and the enforcement of female subordination. Furthermore, the study recommends gender sensitive training for international judges and the development of specialized reparation mechanisms. Ultimately realizing justice for victims necessitates a paradigm shift in international criminal law discourse that moves beyond traditional masculine legal norms to fully integrate the lived experiences and socio-cultural realities of women.

Keywords: Criminal Justice, Gender Justice, Forced Marriage, Gender-Based Crime.

جنسیت و عدالت کیفری:

ارزیابی عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری

حیدر پیری • استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

h.piri@uok.ac.ir

نگین غلامی • استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

n.gholami@uok.ac.ir

چکیده

ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از اقسام خشونت جنسیتی، در سال‌های اخیر توجه محاکم کیفری بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این پژوهش با تمرکز بر ابعاد جنسیتی این پدیده، به واکاوی میزان موفقیت نظام عدالت کیفری بین‌المللی در شناسایی و رسیدگی به آن می‌پردازد. با وجود تصریح اسناد بین‌المللی بر ممنوعیت ازدواج اجباری، رویه محاکم بین‌المللی نشان‌دهنده وجود چالش‌های جنسیتی در مسیر تعریف، اثبات و رسیدگی به این جرم است. پرسش محوری جستار حاضر این است که آیا سازوکارهای موجود قادر به بازتاب ابعاد جنسیتی این جرم در فرآیندهای قضایی هستند؟ به‌رغم پیشرفت‌های حقوقی، سوگیری‌های جنسیتی ساختاری در نظام دادرسی بین‌المللی مانع از شناسایی کامل ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری، و شکل‌گیری رویکردی یکپارچه در مواجهه با این پدیده شده است. با این حال، تحلیل پرونده دومینیک اونگون در دیوان بین‌المللی کیفری و تعقیب این جرم تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» نشان‌دهنده حرکت به سمت شناسایی جنسیت‌محور این جرم است. اما این امر به دلیل ماهیت چندبعدی و جنسیتی ازدواج اجباری کافی نیست؛ لذا بازنگری در معیارهای دادرسی با تأکید بر توسعه تعریف جنسیت‌محور از ازدواج اجباری، اصلاح سازوکارهای اثباتی با در نظر گرفتن خشونت سیستماتیک علیه زنان، و آموزش جنسیت‌محور قضات بین‌المللی ضروری است.

واژگان کلیدی: عدالت کیفری، عدالت جنسیتی، ازدواج اجباری، جرم جنسیت‌محور.



مقدمه

جنايات جنسی و جنسیت‌محور علیه زنان از سپیده‌دم تاریخ وجود داشته است (Askin, 2011, p. 84). در دو دهه اخیر شاهد تمرکز فزاینده‌ای بر خشونت‌های جنسی و جنسیتی علیه زنان بوده‌ایم. حقوق‌دانان و سازمان‌های غیردولتی این اعمال را در دستور کار قرار داده و دادستان‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز به‌طور فزاینده‌ای جنايات جنسی و جنسیتی را در کیفرخواست‌های خود گنجانده‌اند. علاوه‌براین، نقش محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق را نمی‌توان نادیده گرفت (Frulli, 2008, p. 1035). یکی از جدیدترین این جرائم که در رویه قضایی بین‌المللی به رسمیت شناخته و توسعه یافته، «ازدواج اجباری» است.

ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از اشکال خشونت ساختاری جنسیتی علیه زنان و دختران، همواره در بستر منازعات مسلحانه و نظام‌های مردسالار به‌عنوان ابزاری برای کنترل، بهره‌کشی و تحمیل سلطه به کار رفته است. ازدواج اجباری، اقدامی است علیه آزادی اراده و رضایت واقعی افراد (یک یا دو طرف) و مبتنی بر فشار فیزیکی یا روحی که می‌تواند در زمان و زمینه صلح نیز واقع شود. این پدیده فراتر از یک جرم فردی، بازتابی از نابرابری‌های جنسیتی نهادینه‌شده در جوامع است که در قالب سیاست‌های سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده توسط گروه‌های مسلح و رژیم‌های سرکوبگر اعمال می‌شود. با وجود پیامدهای ویرانگر آن از تجاوز جنسی و بردگی تا بارداری اجباری و محرومیت از حقوق بنیادین، ازدواج اجباری در طول تاریخ، جرمی کمتر شناخته‌شده و گاه نادیده گرفته‌شده در حقوق بین‌الملل کیفری^۱ بوده است.

ازدواج اجباری یک جنایت جنسیتی است؛ جرمی که متکی بر ایده‌های اجتماعی ساخته‌شده از بندگی و نقش‌های زن در تولیدمثل انسان و جنایتی که بیان‌کننده هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه در درون جوامع است و عمدتاً توسط مردان در ساختار مردسالارانه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. به‌علاوه، ازدواج اجباری به‌نوعی توهین به نهادهای مذهبی و اجتماعی موجود در

۱. حقوق بین‌الملل کیفری، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که به مسئولیت کیفری افراد در سطح بین‌المللی، جرم‌شناسی و مجازات مرتکبان جرائم بین‌المللی می‌پردازد. تمرکز اصلی آن بر مسئولیت کیفری فردی ناقضان قواعد بین‌المللی است، اما حقوق کیفری بین‌المللی، شاخه‌ای از حقوق داخلی کشورهاست که به همکاری بین‌المللی در امور کیفری می‌پردازد و تمرکز آن بر همکاری دولت‌ها برای مقابله با جرائم فرامرزی است.

یک جامعه تلقی می‌شود؛ به طوری که مرتکب این جرم مکرر به عنوان ناقض حقوق بشر مورد سرزنش قرار گرفته و ارتکاب آن توسط اسناد حقوق بشری متعدد نیز منع^۱ شده است. از آنجاکه ازدواج اجباری به صورت صریح در هیچ یک از دسته‌بندی‌های موجود جنایت علیه بشریت پیش‌بینی نشده است، دیدگاه‌های متفاوتی درباره توصیف حقوقی آن وجود دارد. در دهه‌های اخیر محاکم کیفری بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی کیفری، دادگاه ویژه سیرالئون^۲ و شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج^۳، گام‌هایی در جهت جرم‌انگاری و تعقیب این پدیده در قالب بردگی جنسی یا سایر اعمال غیرانسانی به عنوان جنایات علیه بشریت برداشته‌اند. تحلیل پرونده اونگون نشان‌دهنده پیشرفت نسبی در شناسایی ابعاد جنسیتی این جرم است، اما با محدودیت‌های جدی در تعریف اجبار همراه بوده است. با این حال، رویکرد این نهادها به ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری به‌ویژه در شناسایی آن به عنوان جرمی مبتنی بر جنسیت و نه صرفاً جنسی، هنوز با چالش‌های اساسی روبه‌روست. آیا محاکم بین‌المللی توانسته‌اند ماهیت جنسیتی این جرم را به درستی تبیین کنند؟ آیا تفاوت در تجربه زنان و مردان به عنوان قربانیان ازدواج اجباری در رویه‌های قضایی بازتاب یافته است؟ چه خلأهایی در تفسیر و اجرای قوانین بین‌المللی در این زمینه وجود دارد؟ بررسی این مسائل نه تنها نقاط قوت و ضعف رویه قضایی موجود را آشکار می‌سازد، بلکه می‌تواند راهگشای تحولات آینده در مسیر تضمین دسترسی عادلانه همه قربانیان به

۱. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون اروپایی پیشگیری و محو خشونت علیه زنان و خشونت خانگی ۲۰۱۱ (مقدس و عامری، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۰).

۲. دادگاه ویژه سیرالئون یک نهاد ترکیبی بود که بر اساس توافق بین دولت سیرالئون و سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد تا مسئولان اصلی نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قوانین سیرالئون از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ به بعد را محاکمه کند. صلاحیت آن شامل جنایات علیه بشریت، نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی و برخی جرائم داخلی بود. دوره فعالیت رسمی آن تا سال ۲۰۱۳ ادامه داشت و در سال ۲۰۱۹ به طور کامل منحل شد.

۳. شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج که به عنوان دادگاه خمرهای سرخ نیز شناخته می‌شود، در سال ۲۰۰۶ با توافق دولت کامبوج و سازمان ملل تأسیس شد تا جنایت‌کاران ارشد رژیم خمرهای سرخ (۱۹۷۵-۱۹۷۹) را محاکمه کند. صلاحیت آن محدود به جنایات بین‌المللی (نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) و برخی جرائم داخلی کامبوج در آن دوره است. فعالیت آن همچنان ادامه دارد و در حال رسیدگی به پرونده‌های باقی‌مانده است.

سازوکارهای عدالت کیفری بین‌المللی باشد.

پیشینه پژوهش: مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی ازدواج اجباری در چهارچوب حقوق داخلی یا به‌عنوان یکی از مصادیق خشونت خانوادگی پرداخته‌اند درحالی‌که این پژوهش با تمرکز بر رویه محاکم بین‌المللی کیفری، شکاف موجود در ادبیات حقوقی را پر می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که حتی در سطح بین‌المللی، رویکردی یکپارچه و جنسیت‌محور در مواجهه با این پدیده وجود ندارد. این پژوهش با تمرکز بر عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی، به بررسی پرسش‌های یادشده می‌پردازد و ابتدا تعاریف و مفاهیم کلیدی مرتبط با جرائم جنسی و جنسیتی تبیین می‌شود. سپس رویکرد قضایی دیوان بین‌المللی کیفری و سایر محاکم در مواجهه با ازدواج اجباری تحلیل و درنهایت، تأثیر جنسیت بر نحوه رسیدگی به این جرم و تعیین مجازات مرتکبان ارزیابی می‌شود. هدف نهایی، واکاوی نقاط قوت و ضعف نظام‌های بین‌المللی در شناسایی ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری و ارائه راهکارهایی برای تقویت حمایت از قربانیان در پرتوی عدالت جنسیتی است.

روش پژوهش: این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای و اسنادی و اساساً با روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به منابع مکتوب ازجمله مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع تحقیق انجام شده است. معاهدات و اسناد بین‌المللی و تفسیر آن‌ها، آرای محاکم کیفری بین‌المللی و نظرات اندیشمندان برجسته حقوق بین‌الملل، مبانی مورد بررسی این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

۱. ماهیت جنسیتی ازدواج اجباری؛ مفهوم‌شناسی، مصادیق و جایگاه در حقوق بین‌الملل کیفری

به نظر می‌رسد زمینه وقوع ازدواج اجباری در درگیری‌ها و جنایات جمعی، تحت تأثیر جنسیت است. قربانیان به دلیل پیش‌فرض‌های اجتماعی‌ساخته‌شده‌ای هدف قرار می‌گیرند که مرتکبان درباره نقش زنان و مردان در یک جامعه خاص دارند. برای مثال، دیدگاه‌هایی که مردان و زنان را صرفاً در نقش تولیدمثل‌کننده می‌بینند یا زنان را به‌عنوان دارایی، خدمت‌کار، ارائه‌دهنده خدمات جنسی و مراقبت‌کننده تصور می‌کنند. ازدواج اجباری تجلی هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه است که در جوامع ریشه دوانده و «به‌صورت عمیق در ذهنیت مردان و زنان نهادینه شده‌اند» (Manne, 2018, p. 230). بنابراین، جای تعجب نیست که اکثریت قربانیان ازدواج اجباری که تاکنون توسط دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، سازمان ملل متحد و سایر نهادها شناسایی شده‌اند،

دختران و زنان و اکثر مرتکبان نیز مرد بوده‌اند (Rosenthal et al, 2022, p. 207).^۱ این واقعیت لزوم به‌کارگیری یک نگاه جنسیتی را هنگام بررسی نحوه درک و تعریف حقوق بین‌الملل کیفری از این نقض حقوق و همچنین، شیوه‌ای که باید آن را درک و تعریف کند، آشکار می‌سازد.

بنا بر تعریف سند خط مشی دفتر دادستان، جرائم مبتنی بر جنسیت، جرائمی است که علیه افراد اعم از زن یا مرد به دلیل جنسیتشان واقع می‌شود حتی اگر فاقد مؤلفه جنسی باشد مانند ختنه اجباری یا محرومیت دختران از تحصیل به دلیل زن بودن. در مقابل، جرائم جنسی رفتارهایی‌اند که ماهیت جنسی دارند که خود اعم از رفتارهای فیزیکی مانند تجاوز جنسی و غیرفیزیکی مانند برهنه کردن اجباری است.

ازدواج اجباری تنها مسئله‌ای تاریخی نیست. این پدیده همچنان در منازعات سراسر جهان برای مثال، در نیجریه توسط بوکو حرام و در مناطق تحت کنترل داعش رواج دارد.^۲ زنان درگیر در ازدواج‌های اجباری اغلب با «رنجی غیرقابل تصور مواجه می‌شوند؛ زیرا اساسی‌ترین حقوق بشر آنان از طریق تجاوز، خشونت، شکنجه، بارداری اجباری و کار اجباری نقض می‌شود» (Scharf & Mattler, 2005, p. 24). سایر جنایات همراه با ازدواج اجباری نیز گزارش شده‌اند از جمله شکنجه جنسی، نقص عضو جنسی، سقط جنین اجباری و وادار کردن به مصرف مواد مخدر (Human Rights Watch, 2003, pp. 33 & 41). این اعمال نشان می‌دهد که ازدواج اجباری جرمی چندلایه است (Frulli, 2008, p. 1036). این پدیده رنج فراوانی ایجاد می‌کند، اما برخی استدلال می‌کنند که این یک «جرم نادیده گرفته‌شده یا مغفول‌مانده»^۳ است (Christensen, 2015, p. 1845).

ازدواج اجباری مصداق تضییع حقوق انسان‌هاست و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی محسوب می‌شود. جنسیت واقعیتهای انکارناپذیر در نظام آفرینش است. از منظر حقوق بین‌الملل کیفری،

۱. ازدواج اجباری جنایتی است که بیان‌کننده هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه در درون جوامع است و عمدتاً توسط مردان در ساختار مردسالارانه، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود، اما نگارندگان اذعان دارند که مردان نیز ممکن است قربانی ازدواج اجباری شوند؛ همان‌گونه که شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج در رأی تجدیدنظر پرونده خیو سامفان اذعان داشت که مردان نیز می‌توانند قربانی ازدواج اجباری باشند (ECCC, Samphan Case, 2022, Para.1563).

2. <https://www.hrw.org/news/2015/04/14/iraq-isis-escapees-describe-systematic-rape>
3. Overlooked Crime

جنسیت به عنوان یک ویژگی هویتی اغلب هدف‌گیری شده، جایگاه حقوقی مشخصی دارد. این جایگاه در دو سطح قابل ردیابی است. نخست، در قالب جرم مستقل مانند آزار و اذیت که می‌تواند بر اساس جنسیت صورت پذیرد (ماده ۷ (۱) (ح) اساسنامه رم) و دوم، به عنوان معیار تبعیض‌آمیز که می‌تواند وصف تشدیدکننده برای سایر جرائم علیه بشریت باشد (ماده ۷ (۱) (ه) اساسنامه رم). بدین ترتیب، جنسیت از یک واقعیت اجتماعی به یک معیار حقوقی در ارتکاب یا تشدید کیفر جنایات بین‌المللی تبدیل می‌شود. کمیته منع تبعیض علیه زنان^۱، خشونت مبتنی بر جنسیت را خشونت هدایت‌شده علیه یک زن به سبب زن بودن وی که اثرات نامطلوبی بر وی می‌گذارد، تعریف کرده است (Committee on Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW), 1992). طبق ماده ۱ اعلامیه ملل متحد ناظر بر حذف خشونت علیه زنان، اصطلاح خشونت علیه زنان هر گونه اعمال خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت را که موجب بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی یا آزار زنان شود و تهدید به انجام چنین اعمالی را که منتج به محرومیت اجباری یا خودسرانه از آزادی چه در زندگی عمومی یا خصوص شود، دربرمی‌گیرد.

جرائم جنسی (مانند تجاوز، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری و بردگی جنسی) در اساسنامه رم و رویه دیوان بین‌المللی کیفری به رسمیت شناخته شده‌اند. سند خط‌مشی دادستانی دیوان در کنار عنوان جرائم جنسی، اقدام به استعمال عنوانی می‌کند که از متن اساسنامه غایب است و آن، جرائم مبتنی بر جنسیت است. جرائم مبتنی بر جنسیت عنوان عامی است و مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه را که به دلیل جنسیت (به‌مثابه یک شرط زمینه‌ای و نه انگیزه) ارتکاب می‌یابد، شامل می‌شود. جرائم جنسی نیز مصداقی از جرائم مبتنی بر جنسیت است. به بیان دیگر، نسبت میان جرائم مبتنی بر جنسیت (عام) و جرائم جنسی (خاص) رابطه عموم و خصوص مطلق است. نکته مهم آن است که از منظر اساسنامه رم، جنسیت تنها شامل جنس‌های مذکر و مؤنث می‌شود و رفتارهای مجرمانه‌ای که نسبت به سایر هویت‌های جنسی (تراجنسی‌ها) اعمال می‌شود، داخل در این عنوان نخواهد بود (رادمهر و ترشیزی، ۱۳۹۹، ص. ۳).

نکته محوری در تحلیل ماهیت جنسیتی ازدواج اجباری، درک جایگاه آن در این چهارچوب

1. Committee on Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW)

مفهومی است. ازدواج اجباری با داشتن مؤلفه‌های جنسی (مانند اجبار به روابط زناشویی)، آشکارا در ذیل جرائم جنسی قرار می‌گیرد. با این حال، ماهیت آن فراتر از این می‌رود و آن را به نمونه‌ای بارز از یک جرم مبتنی بر جنسیت نیز تبدیل می‌کند؛ زیرا قربانی شدن در آن به‌طور سیستماتیک و بر اساس نقش‌های اجتماعی جنسیتی شده^۱ (نظیر توقع انجام کارهای خانگی، تولیدمثل و خدمت‌رسانی جنسی به‌عنوان «همسر») شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، ازدواج اجباری هم یک جرم جنسی است و هم جرمی عمیقاً مبتنی بر جنسیت که در آن، زنان و دختران نه صرفاً به‌عنوان افراد، بلکه به‌عنوان اعضای گروه جنسیتی زن هدف قرار می‌گیرند. این دوگانگی، پیچیدگی و ابعاد چندلایه خشونت در این پدیده را نشان می‌دهد.

شرط اصلی تحقق و ارتکاب جرائم جنسی، وجود و احراز مؤلفه جنسی در رفتارهای مجرمانه ارتكابی است. تماس و خشونت فیزیکی البته در این میان مداخلیت و موضوعیت ندارد و رفتارهای جنسی چه دربردارنده تماس جسمی باشد و چه فاقد آن می‌تواند تحقق‌بخش جرائم جنسی باشد. به‌عنوان نمونه، برهنه‌سازی اجباری که بدون مداخله و اجبار فیزیکی مرتکب صورت پذیرد نیز از مصادیق جرائم جنسی قلمداد شده است. همچنین، دادستانی دیوان در تفسیر مهم خود، رفتار مجرمانه قاچاق انسان با هدف استثمار جنسی را نیز داخل در مفهوم و عنوان مجرمانه بردگی جنسی دانسته است که می‌تواند به‌مثابه شروع به جرم آن رفتار محسوب شود و صلاحیت دیوان را فعال سازد (ذاکر حسین، ۱۴۰۱).

ازدواج اجباری جرمی به‌شدت جنسیتی‌شده است؛ جرمی که متکی بر ایده‌های اجتماعی ساخته‌شده درباره خدمت‌کاری زنان و نقش آن‌ها در تولیدمثل است و عمدتاً توسط مردان در چهارچوب ساختارهای مردسالارانه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. اگرچه مؤلفه جنسیتی آسیب‌های ازدواج اجباری و خشونت جنسی که به‌طور نامتناسبی زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد توجه است، داده‌های قوم‌نگارانه پیشنهاد می‌کنند که جرم‌نگاری ازدواج اجباری از تحلیل صرفاً جنسیت‌محور فاصله بگیرد و به سمت رویکردی جنسیت‌خنثی مبتنی بر اجبار چندجانبه حرکت کند. فرماندهان ارشد که دستور ازدواج‌های اجباری را صادر می‌کنند، باید

با مجازاتی مواجه شوند که تمامیت آسیب‌های وارده به همسران و فرزندان ناشی از این پیوندهای اجباری را به رسمیت بشناسد. این رویکرد می‌تواند ارزش‌های سزادهنده، بازدارنده و بیان‌کننده مجازات کیفری را تقویت کند. درنهایت، درک دقیق و چندبعدی از ازدواج اجباری می‌تواند مبنایی برای برنامه‌های بازاجتماعی‌پذیری و بازتوانی مؤثرتر و هدفمند برای تمام آسیب‌دیدگان فراهم کند.

۲. خشونت جنسی به عنوان یک مضمون عدالت کیفری

در رویه قضایی دادگاه ویژه سیرالئون در مورد اینکه آیا ازدواج اجباری «عمدتاً یک جرم جنسی» محسوب می‌شود یا خیر، اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما می‌توان با اطمینان گفت که این پدیده در عمل، نوعی خشونت جنسی است. این نتیجه‌گیری از آنجا ناشی می‌شود که بررسی آرای این دادگاه نشان می‌دهد حتی به یک مورد هم اشاره نشده است که در آن شواهد، وقوع ازدواج اجباری بدون همراهی با نقض حقوق جنسی قربانی را نشان دهد.

به رسمیت شناختن خشونت جنسی به عنوان جرائم جدی، پس از دهه‌ها انتقاد مکرر به جامعه نظام حقوقی بین‌المللی به دلیل ساختار سازمانی و هنجاری مردانه آن حاصل شده است. تنها پس از دوره‌ای طولانی که عمده‌تاً مردان بر حوزه حقوق بین‌الملل تسلط داشتند، وقوع جرائم جنسیتی مورد پذیرش بیشتری قرار گرفته است (Charlesworth et al, 1991, p.615).

ابتدا باید اشاره کرد که خشونت جنسی، زنان و مردان را در تمام کشورها، چه در شرایط صلح و چه ناپایداری یا درگیری مسلحانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشونت جنسی در تعریفی گسترده شامل طیف وسیعی از رفتارهای مضر جنسی است. آنچه عمده‌تاً در دستور کار نظام حقوق بین‌الملل کیفری قرار گرفته، مواردی است که ارتباطی بین خشونت جنسی و شرایط درگیری یا پس از درگیری وجود دارد. قربانیان جرائم جنسی بین‌المللی که در چهارچوب درگیری‌های مسلحانه یا رژیم‌های استبدادی رخ داده‌اند، غالباً در معرض خشونت‌های شدیدی قرار گرفته‌اند که ممکن است بخشی از یک کمپین ترور و شکنجه برای تحقیر، ارباب و هدف قرار دادن بخش‌های خاصی از جامعه بوده باشد. در چندین درگیری مانند موارد فعلی در جمهوری دموکراتیک کنگو یا نیجریه، خشونت جنسی به عنوان سلاحی استراتژیک در جنگ برای نابودی هسته جوامع، معیشت و خانواده‌ها استفاده می‌شود (Zinsstag & Busck-Nielsen, 2018, pp. 501-502).

از نظر تاریخی، ارتکاب تجاوز جنسی و خشونت جنسی در درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر یا بی‌اهمیت تلقی می‌شد. تنها در دوره‌های اخیر است که قوانین جنگ و کنوانسیون‌های بین‌المللی سعی کرده‌اند ابزارهایی برای تقویت محافظت در برابر اشکال خاص خشونت جنسی ارائه دهند. در طول محاکمات نورنبرگ، موارد تجاوز جنسی و برخی دیگر از جرائم جنسی در پرونده‌ها ثبت شد، اما از کیفرخواست و حکم نورنبرگ حذف شدند (Van Schaack, 2008, p. 14). جرائمی که در درگیری‌های تاریخی و معاصر مشهود بوده‌اند، تنها اخیراً توسط دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی به‌عنوان نسل‌زدایی، شکنجه و جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شده‌اند.

در چند دهه اخیر جامعه بین‌المللی در پاسخ به پذیرش بیشتر خشونت جنسی و جنسیتی به‌عنوان جرائم جدی، گام‌های عملی متعددی برداشته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸، قطعنامه ۱۸۲۰ را به اتفاق آرا تصویب کرد که در آن خشونت جنسی به‌عنوان تاکتیکی در جنگ و همچنین، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد (S.C. Res, 1820, 2008). در سال ۲۰۱۰، شورای امنیت قطعنامه دیگری به شماره ۱۹۶۰ را به اتفاق آرا تصویب کرد. این قطعنامه علاوه‌بر تأکید بر سیستماتیک، گسترده و فراگیر بودن خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه، به ایجاد ابزارهای نهادی برای مبارزه با مصونیت از مجازات کمک کرد. این قطعنامه گام‌های خاصی را برای پیشگیری و محافظت در برابر خشونت جنسی در درگیری‌ها ترسیم می‌کند (S.C Res. 1960, 2010). در همان سال، سازمان ملل دفتر نماینده ویژه دبیرکل در مورد خشونت جنسی در درگیری را تأسیس و مارگوت والستروم^۱ را به‌عنوان اولین نماینده ویژه منصوب کرد (UN Secretary-General Appointments, 2010). تأسیس این دفتر گامی مهم در مبارزه با مصونیت از مجازات برای خشونت جنسی مرتبط با درگیری بود؛ زیرا تلاش‌های سازمان ملل را در این زمینه تقویت می‌کرد.

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در گزارش ۲۰۱۹ خود در مورد خشونت جنسی مرتبط با درگیری اعلام کرد که از سال ۲۰۱۰، «تغییر پارادایمی» در درک جهانی از جرم خشونت جنسی در درگیری رخ داده است (UN Secretary-General, 2019, p. 2). به گفته گوترش، درحالی‌که

1. Margot Wallström

جامعه بین‌المللی به‌طور سنتی خشونت جنسی را به‌عنوان موضوع بهداشت باروری یا توسعه در نظر می‌گرفت^۱، اکنون مفهوم خشونت جنسی مرتبط با درگیری را پذیرفته است.

دفتر دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، بیانیه‌های رسمی متعددی صادر کرده است که نشان می‌دهد جرائم خشونت جنسی در اولویت دفتر دادستان دیوان قرار دارد. چهارمین هدف استراتژیک در برنامه استراتژیک دفتر دادستان دیوان برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۱، ادغام دیدگاه جنسیتی در تمام زمینه‌های کاری دفتر را تأیید می‌کند (ICC OTP, 2019, p. 5). تعهد دفتر دادستان دیوان برای جلوگیری از مصونیت از مجازات جرائم خشونت جنسی در سند سیاستی جرائم جنسی و جنسیتی مصوب ۲۰۱۴ نیز منعکس شده است (ICC OTP, 2014). این سند سیاستی به مسائل متعدد آیین دادرسی و عملی که نیازمند توجه ویژه در رابطه با خشونت جنسی و جنسیتی است، می‌پردازد از جمله هنگام برخورد با اقدامات حفاظتی، تصمیم‌گیری در مورد ترکیب تیم‌های تحقیق یا تعیین مجازات مجرمان (Andréewitch, 2020).

عمل ربودن سیستماتیک زنان و دختران، تجاوز به آنان، اجبار آنها به ارائه خدمات جنسی، انجام کارهای خانگی، باردار شدن و فرزندآوری برای شورشیان همراه با تهدید مداوم مجازات یا مرگ در صورت عدم تبعیت از این شرایط، ویژگی شناخته‌شده بسیاری از درگیری‌هاست. این واقعیت در سیرالئون و همچنین، در بسیاری از کشورهای دیگر مانند رواندا و اوگاندا وجود داشته است.

۳. تشریح رفتارهای تشکیل‌دهنده و آسیب‌شناسی جنسیتی ازدواج اجباری

میان دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه فوق‌العاده کامبوج و دیوان بین‌المللی کیفری، اجماع قوی وجود داشت که ازدواج اجباری مصداق «سایر اعمال غیرانسانی» است، اما در ابتدا شفافیت کمتری در مورد رفتار دقیق و آسیب‌های خاص ناشی از این اصطلاح وجود داشت. این عدم شفافیت ناشی از رویه قضایی در حال تحول دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج بود. نخستین رأی دادگاه بدوی دادگاه ویژه سیرالئون که به بررسی رفتارها و آسیب‌های ازدواج اجباری پرداخت، پرونده بریما و دیگران، اتهامات ازدواج اجباری را به این دلیل که ذیل اتهامات بردگی

1. Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolutions 1820 (2008) and 1888 (2009), 2010, p. 6.

جنسی قرار می‌گرفتند، رد کرد (AFRC, Brima Trial Judgment, 2007, para. 712). این تقلیل ازدواج اجباری به صرفاً یک جرم جنسی، در مرحله تجدیدنظر نقض شد (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, para. 195). دیوان تجدیدنظر، ازدواج اجباری را به‌عنوان «رابطه زناشویی تحمیلی» تعریف کرد که دو نوع آسیب به قربانیان وارد می‌کند.

– آسیب‌های ناشی از تحمیل وضعیت همسر (ازجمله انگ اجتماعی).
– سوءرفتارهای ناشی از اجبار به انجام تکالیف زناشویی مانند کار اجباری خانگی، تسلیم شدن در برابر تجاوز و باردار شدن و پرورش فرزندان حاصل از این «ازدواج» (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, paras. 190-200).

این رویه در پرونده دادستان علیه سسی، کالون و گبائو نیز تأیید شد؛ به‌ویژه رأی دادگاه بدوی اشاره کرد که تحمیل وضعیت «همسر» منجر به دست‌کاری روانی قربانیان، ترساندن جامعه آن‌ها، تخریب خانواده‌ها و تضعیف جامعه سیرالئون می‌شود (RUF, Sesay Trial Judgment, 2009, paras. 1154, 1211 & 1466-1472). با این حال، این شفافیت فزاینده با رأی نهایی دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده تیلور مخدوش شد که در اظهارات جنبی^۱ خود عنوان کرد اصطلاح بردگی زناشویی مناسب‌تر از «ازدواج اجباری» است و رفتار غیرقانونی، ترکیبی از بردگی جنسی و خانگی محسوب می‌شود (Taylor, Trial Chamber, 2012, paras. 425-30). دادگاه تجدیدنظر به این نظر نپرداخت و بنابراین، فرصت روشنگری یا یکسان‌سازی رویه قضایی را از دست داد.

شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج به‌عنوان دومین دادگاهی که به تعقیب ازدواج اجباری پرداخت، موافق بود که رفتار غیرقانونی شامل اجبار قربانیان به ورود به روابط زناشویی در شرایط تحمیلی است (ECCC, 2010, para. 1443). این دادگاه دو نوع آسیب را شناسایی کرد. آسیب به قربانیان زن و مردی که وضعیت «همسر» به آن‌ها تحمیل شده است (از طریق مراسم ازدواج سازمان‌دهی شده توسط خمرهای سرخ که فاقد آیین‌های سنتی بود) و تجاوزهای پس از آن. رویکرد شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج نشان داد که رفتارهای خاص تحت عنوان «ازدواج

اجباری» یکسان نیستند. درحالی‌که دادگاه ویژه سیرالئون بر کار اجباری خانگی و جنسی و استفاده از عنوان «همسر» (بدون ازدواج قانونی) به‌عنوان بخش‌های جدایی‌ناپذیر رفتار غیرقانونی تأکید داشت، شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج بر عدم رضایت به ازدواج واقعی تحت قوانین خمرهای سرخ و تجاوز پس از ازدواج تمرکز کرد (ECCC, 2014, paras. 3670-3701). این تفاوت‌ها هم انعطاف‌پذیری اصطلاح «ازدواج اجباری» و هم کمبود نظریه‌پردازی دقیق درباره رفتارهای تشکیل‌دهنده آن را نشان می‌دهد (Oosterveld, 2019, p. 1277).^۱

دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده دومینیک اونگون، درک رفتارها و آسیب‌های ناشی از ازدواج اجباری را عمیق‌تر و تثبیت کرد. شعب مقدماتی، بدوی و تجدیدنظر تأکید کردند که رفتارهای متهم تحت عنوان ازدواج اجباری حداقل دو نوع آسیب منحصر به فرد ایجاد می‌کند.

– نقض استقلال رابطه‌ای قربانی (ازجمله طرد اجتماعی) توسط متهم.

– طیفی از نقض حقوق بشر (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, paras. 92-94; Ongwen Trial Judgment, 2021, paras. 2748-2751; Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras. 1022-1024).

به‌طور مشخص، این رویه «عنصر محوری» ازدواج اجباری را روشن می‌کند؛ تحمیل تکالیف و وضعیت اجتماعی مرتبط با ازدواج صرف‌نظر از اراده قربانی تحت عنوان «همسر» بودن متهم (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93). این تحمیل وضعیت «همسری» باعث ایجاد انحصار می‌شود؛ به‌طوری‌که قربانی نمی‌تواند هیچ رابطه زناشویی دیگری داشته باشد. شعبه مقدماتی^۲ دیوان همچنین، خاطرنشان کرد که رابطه زناشویی تحمیلی به همراه انحصار، جنبه‌های مشخصه ازدواج اجباری هستند که در سایر اتهامات اونگون وجود ندارند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93). همچنین، این دادگاه حق بنیادین مورد حمایت توسط این اتهام را تشریح کرد؛ حق مستقل بر ازدواج توافقی و تشکیل خانواده که متمایز از حقوقی مانند تمامیت جسمی/جنسی یا آزادی فردی است. این حق در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93).

۱. والری اوستروولد، استاد حقوق بین‌الملل و پژوهشگر جنسیت و حقوق کیفری بین‌المللی.

94. para).

انکار استقلال رابطه‌ای قربانی عمدتاً از طریق انتساب و تحمیل اجباری وضعیت «همسری» به وی محقق می‌شود (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, para. 2748). وکلای مدافع اونگون استدلال کردند که هیچ پیوند زناشویی واقعی بین متهمان و قربانیان وجود نداشت؛ زیرا یکی از شرایط ازدواج در فرهنگ آچولی محقق نشده بود و رابطه آن‌ها در واقع، «صرف همزیستی» بود (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, para. 1024). در پاسخ، تمام شعب دیوان تأکید کردند که غیرقانونی بودن یا عدم رسمیت این «ازدواج» طبق قوانین یا عرف جامعه محل وقوع، بی‌ارتباط است (Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93). شعبه تجدیدنظر دیوان اعلام کرد که وجود رابطه زناشویی می‌تواند بر اساس واقعیات پرونده از جمله ماهیت رابطه بین متهم و قربانی و دیدگاه ذهنی قربانی، اشخاص ثالث و متهم اثبات شود (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, para. 1025). به عبارت دیگر، آنچه مهم است، این است که آیا یک رابطه زناشویی به‌طور واقعی بر قربانی تحمیل شده یا خیر (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93)؟

دادگاه‌ها به پیامدهای محرومیت از استقلال رابطه‌ای نیز پرداختند؛ قربانیان دچار انگ اجتماعی، آسیب روانی و حمله شدید به حیثیت انسانی می‌شوند. این انگ ممکن است منجر به طرد قربانیان از جامعه شود. همچنین، اگر ازدواج اجباری منجر به تولد فرزندان شود، آثار عاطفی و روانی پیچیده‌ای بر قربانی و کودکانشان وارد می‌کند (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras. 1025, 1015).

دومین آسیب منحصر به فرد ناشی از ازدواج اجباری، نقض‌های متعدد حقوق بشری است که بسته به بافت و ساختار متفاوت هستند. دیوان بین‌المللی کیفری جزئیات بیشتری ارائه داد و اشاره کرد که این آسیب‌ها با تکالیف مرتبط با ازدواج و انتظارات و نقش‌های جنسیتی تحمیلی مرتبط هستند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93; Ongwen Trial Judgment, 2021, paras. 2748-2749). بسیاری از این نقض‌ها خود به‌عنوان جرم مستقل محسوب می‌شوند مانند:

- ربودن، تجاوز و بردگی جنسی.

- اجبار به انحصار در رابطه جنسی.
 - ترس از مجازات خشونت‌آمیز در صورت ترک رابطه.
 - قرار گرفتن اجباری در رابطه چندهمسری.
 - بارداری اجباری.
 - کار اجباری خانگی (پخت‌وپز و نظافت).
 - حمل اجباری بار.
- به‌طور مشابه، شعبه مقدماتی در پرونده اونگون، شاخص‌های ازدواج اجباری را شامل مواردی دانست که قربانی:
- به بردگی جنسی یا غیرجنسی گرفته شده است.
 - محدودیت در آزادی حرکت دارد.
 - مورد آزار جنسی مکرر، بارداری اجباری یا کار اجباری قرار می‌گیرد (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, paras. 2748-2749).
- باین‌حال، این تکالیف و پیامدها به‌خودی‌خود ازدواج اجباری محسوب نمی‌شوند؛ زیرا نقض استقلال رابطه‌ای نیز ضروری است (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para. 93; Ongwen Trial Judgment, 2021, para. 2748; Ongwen Appeals Judgment, 2022, para.1024). شعبه بدوی دیوان در پرونده اونگون پذیرفت که این نقض‌های حقوق بشری ممکن است هم‌پوشانی با سایر جرائم مصرح در اساسنامه رم داشته باشند. این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که ازدواج اجباری از نظر ماهیت و شدت مشابه آن جرائم است (AFRC, Brima Appeals Judgment, 2008, para. 190)، اما تحمیل وضعیت همسری در سایر جرائم وجود ندارد و این تمایز لازم را ایجاد می‌کند (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, para.92).
- در پاسخ به استدلال‌های وکلای مدافع، شعب مختلف دادگاه‌ها توضیح دادند که چرا ازدواج اجباری با بردگی جنسی یا تجاوز به‌عنوان جنایت علیه بشریت متفاوت است؛ به‌طوری‌که وجود یکی، دیگری را نفی نمی‌کند. مثلاً بردگی جنسی، محدود کردن خودمختاری جنسی قربانی در حالت بردگی، ازجمله اعمال مالکیت بر فرد است (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, paras. 205, 208, 209-210, 215, 218, 220, 2748 & 2750)، اما ازدواج اجباری، تحمیل رابطه زناشویی انحصاری با پیامدهای انضباطی در صورت نقض این انحصار است. همچنین، جرم

تجاوز، تحمیل وضعیت زناشویی را جرم‌انگاری نمی‌کند و قربانیان ازدواج اجباری، آثار روانی و اجتماعی فراتر از قربانیان صرف تجاوز متحمل می‌شوند (ICC, Ongwen Appeals Judgment, 2022, paras. 1027-1028).

باین‌حال، همه نقض‌های حقوق بشری مرتبط با ازدواج اجباری، جرائم بین‌المللی محسوب نمی‌شوند مانند ترس از ترک رابطه به دلیل تهدید به مجازات خشونت‌آمیز یا اجبار به چندهمسری^۱ (ICC, Ongwen Confirmation of Charges, 2016, paras. 92-93). موارد دیگر شامل نقض حق سلامت، محرومیت از تحصیل و گسست پیوندهای خانوادگی هستند. تحلیل دادگاه‌ها از برخی نقض‌های فاحش حقوق بنیادین کودکان دختر (به‌عنوان سربازان کودک) غفلت کرد (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, paras. 2747 & 2748)، اما تشریح رفتارها و آسیب‌های ازدواج اجباری، درک حقوق بین‌الملل کیفری از این عمل غیرانسانی را اصلاح و تثبیت کرد.

۴. تحلیل عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی ازدواج اجباری به‌عنوان جرم مستقل

آیا حقوق بین‌الملل کیفری به نقطه‌ای رسیده است که ازدواج اجباری را به‌عنوان یک جرم مستقل به رسمیت بشناسد؟ گروهی از حقوق‌دانان ادعا کرده‌اند که با تأیید اتهامات توسط شعبه مقدماتی در پرونده اونگون، اجماعی در حقوق بین‌الملل کیفری درباره تعقیب و محکومیت ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» وجود دارد (Eboe-Osuji, 2012, p. 222)، اما با بررسی پرونده‌هایی که در آن‌ها عناصر ازدواج اجباری وجود داشته است، اما به‌عنوان جرم مستقل تعقیب نشده‌اند، می‌توان پرسید که آیا این ادعا با واقعیت مطابقت دارد؟

۱. حق بر ازدواج با رضایت کامل و آزادانه ازجمله حقوقی است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است ازجمله در بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قطعنامه ۱۷۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲، اعلامیه و برنامه عمل پکن ۱۹۹۵، قطعنامه ۱۴۶۸ مجمع عمومی پارلمانی شورای اروپا مصوب ۲۰۰۵ و کنوانسیون استانبول ۲۰۱۱ مصوب شورای اروپا.

۴.۱. رویه دادگاه‌های موقت؛ نقش پیش‌گامانه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا

باید خاطر نشان کرد که پیش از تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه‌های ویژه موردی در برخی پرونده‌ها به موضوع ازدواج اجباری در یوگسلاوی سابق و رواندا اشاره کرده بودند (اگرچه اتهام ازدواج اجباری هرگز در هیچ‌یک از کیفرخواست‌ها مطرح نشد). در پرونده کووچکا و دیگران، شعبه بدوی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق اعلام کرد که خشونت جنسی می‌تواند «شامل جرائمی مانند نقص عضو جنسی، ازدواج اجباری و سقط جنین اجباری نیز بشود» (ICTY, Kvočka et al, 2001, para. 180).

استدلالی که بر اساس آن ازدواج اجباری می‌تواند یک جرم جنسی محسوب شود، احتمالاً مبتنی بر یافته‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در پرونده آکایسو بود. در این پرونده، شاهد N.N. شهادت داد که متهم «او را در خانه‌اش زندانی، از گروه جدا و اعلام کرده بود که او همسر اوست» (Kalra, 2001, 201). بنابراین، ازدواج اجباری در رواندا رواج داشت، اما به‌ندرت درباره آن صحبت می‌شد (Bunting, 2012, p.176). با این حال، خشونت جنسی به‌صورت بسیار گسترده تعریف شده بود تا طیف وسیعی از اعمال از جمله ازدواج اجباری را دربرگیرد (ICTR, Akayesu, 1998, para. 688). دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا باید «از معیارهای مشابه گسترده در بررسی ازدواج اجباری استفاده می‌کرد» (Kalra, 2001, p. 200). دادستانی از وقوع گسترده ازدواج‌های اجباری در طول نسل‌کشی آگاه بود، اما این جرم هرگز در کیفرخواست گنجانده نشد (Kalra, 2001, p. 203). به‌طورکلی، از ازدواج اجباری به‌ندرت به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی که به‌صور مختلف در طول نسل‌زدایی در رواندا صورت گرفته، صحبت شده و هرگز تحت رسیدگی قرار نگرفته (Bunting, 2012, p. 7) و به‌رغم وجود آن و پایداری‌اش، در تحقیقات به‌عمل‌آمده در رابطه با نسل‌زدایی بدون بررسی و مدرک باقی مانده است (توحیدی و داداشی، ۱۳۹۸، ص. ۲۱).

در پرونده کونارک، شعبه بدوی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق با وضعیتی مواجه شد که از نظر واقعی بسیار شبیه به مورد «همسران جنگلی»^۱ در سیرالئون بود. دو دختر اسیر شده بودند و در

1. Bush Wife

روابط انحصاری با آدم‌ربایان خود بارها مورد تجاوز قرار گرفته بودند. علاوه بر این، مجبور بودند «از تمام دستورات متهم اطاعت کنند» و «کارهای خانه‌داری انجام دهند» (ICTY, Kunarac et al., 2001, para. 728). دادگاه بدوی بر طول مدت اسارت و رابطه مالکیت تأکید کرد و کونارک را به جرم تجاوز جنسی و بردگی به جنایت علیه بشریت محکوم کرد (Gong-Gershowitz, 2009, p. 59). وجه مشترک این پرونده‌ها در دادگاه‌های ویژه این بود که ازدواج اجباری به‌عنوان یک جرم مستقل مورد ارزیابی قرار نگرفت.

۴.۲. رویه دادگاه ویژه سیرالئون

در میان اعمال وحشیانه ارتكابی در ده سال جنگ داخلی سیرالئون، هزاران زن اسیر مجبور به ازدواج با دستگیرکنندگان خود و زندگی با آنها برای مدت زمان طولانی شدند (HRW, 2001, p. 2). این زنان با اعمال فشار و تهدید مجبور به ایفای تمام وظایفی بودند که غالباً برای زنان شوهردار تعریف شده است (امیری، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۹). نخستین رأی درباره ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت مستقل علیه بشریت در پرونده بریما و دیگران مورد استقبال جامعه مدنی قرار گرفت و پیش‌گام تلقی شد (Gong-Gershowitz, 2009, p. 53). پس از AFRC، امید زیادی وجود داشت که دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده‌های بعدی خود به توسعه تعریف و عناصر این جرم جدید علیه بشریت ادامه دهد. تأکید رأی تجدیدنظر AFRC بر رابطه زناشویی (به‌جای عنصر مالکیت در بردگی جنسی) در پرونده RUF نیز تأیید شد (RUF, Sesay Trial Judgment, 2009). بنابراین، به نظر می‌رسد تمرکز بر عنصر زناشویی و دسته‌بندی ازدواج اجباری به‌عنوان «سایر اعمال غیرانسانی»، مسیری بوده که دادگاه ویژه سیرالئون در پیش گرفته است. با این حال، وضعیت با آخرین پرونده دادگاه ویژه سیرالئون، پرونده چارلز تیلور، پیچیده‌تر شد. در این پرونده، دادستان به‌طور صریح ازدواج اجباری را در اتهامات مطرح نکرد. تنها اتهامات جنسی و جنسیتی علیه تیلور، تجاوز و بردگی جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت بودند. این در حالی بود که شواهد گسترده‌ای درباره روابط زناشویی تحمیلی توسط شاهدان ارائه شده بود. در عوض، شواهد مربوط به ازدواج اجباری در چهارچوب خشونت جنسی بررسی شدند (Taylor, 2012, para. 422).

دادگاه بدوی تیلور به‌طور ضمنی از یافته‌های دادگاه بدوی AFRC حمایت و اشاره کرد که

ازدواج اجباری علاوه بر کار اجباری، شامل بردگی جنسی نیز می‌شود. قضات استفاده از اصطلاح ازدواج اجباری را رد کردند؛ زیرا این اصطلاح، در توصیف آنچه برای قربانیان رخ داده بود، مناسب نبود و با ازدواج به معنای متعارف آن (یعنی اتحاد داوطلبانه و مقدس) سازگاری نداشت (Taylor, 2012, paras. 425-427). به جای آن، پیشنهاد کردند که این عمل شکلی از بردگی زناشویی در نظر گرفته شود. دادگاه بر محرومیت قربانی از آزادی و اعمال مالکیت مرتکب بر قربانی تأکید کرد در حالی که اعمال جنسی و غیرجنسی دوران بردگی را نیز تأیید کرد.

اینکه دادگاه تیلور از استدلال شعبه تجدیدنظر AFRC پیروی نکرد، به این معنا نیست که به موضع دادگاه بدوی AFRC بازگشته است (یعنی اینکه ازدواج اجباری عمده‌تاً یک جرم جنسی است و کاملاً ذیل بردگی جنسی قرار می‌گیرد). به نظر می‌رسد قضات راه سوم را پیشنهاد کرده‌اند؛ تعریف ازدواج اجباری به عنوان بردگی زناشویی که در تعریف بردگی می‌گنجد. آن‌ها همچنین، اشاره کردند که بردگی زناشویی شکل متمایزی از بردگی جنسی است؛ زیرا اعمال غیرجنسی مرتبط (مانند کار اجباری) صرفاً توصیفی هستند و عنصر تعریف‌کننده یک جرم جدید محسوب نمی‌شوند. نتیجه‌گیری این بود که این عناصر غیرجنسی جدید نیستند و بنابراین، ازدواج اجباری/بردگی زناشویی جرم جدیدی نیست.

آرای دادگاه ویژه سیرالئون بدون شک پیشرفت‌های حقوقی مهمی در زمینه ازدواج اجباری ایجاد کرده‌اند، اما تعاریف و دسته‌بندی‌های متفاوت با عنوان بردگی جنسی، بردگی زناشویی یا سایر اعمال غیرانسانی، می‌تواند سردرگمی ایجاد کند. دو رویکرد متفاوت در تفسیر «ازدواج اجباری» نشان می‌دهد که هنوز روشن نیست که آیا این پدیده باید به عنوان یک جرم بین‌المللی «جدید» و مستقل تعقیب شود یا تحت عنوان «بردگی جنسی». یک مثال گویا از این سردرگمی، تغییر موضع دادستان‌ها در نحوه طرح اتهام «ازدواج اجباری» است. به عنوان نمونه، در پرونده RUF، دادستان‌ها ابتدا در درخواست اصلاح کیفرخواست، این جرم را عمده‌تاً جنسی توصیف کردند، اما بعداً در درخواست قاعده ۹۸، موضع خود را تغییر دادند و آن را جرمی غیرجنسی دانستند (RUF Oral Rule 98 Decision, 2006).

۴.۳. رویه قضایی شعب فوق‌العاده دادگاه‌های کامبوج

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰، شعبه اول دادگاه‌های فوق‌العاده کامبوج، پرونده ۰۲/۰۰۲ را علیه چهار

عضو بازمانده کمیته مرکزی خمرهای سرخ، نون چیا، خیمو سامفان، ینگ ساری و ینگ تیریت، آغاز کرد. پس از رأی تجدیدنظر در پرونده AFRC، شعبه بدوی دادگاه فوق‌العاده کامبوج نیز ازدواج اجباری را نه به‌عنوان جنایت علیه بشریت ناشی از بردگی جنسی، بلکه به‌عنوان جنایتی علیه بشریت تحت عنوان سایر اعمال غیرانسانی مورد بررسی قرار داد (ECCC, 2014, paras. 740-749).

در کامبوج، اکثر ازدواج‌های اجباری پس از سال ۱۹۷۵ و پس از پیروزی حزب کمونیست کامبوج معروف به خمرهای سرخ در جنگ داخلی و تسلط بر قدرت صورت گرفت. هدف رژیم تحت رهبری پل پوت، تحقق انقلاب کمونیستی و تنظیم تشکیل خانواده‌ها بود (International Federation for Human Rights, 2018, p. 1; ECCC, 2018, para. 39).

به گفته جین^۱، خمرهای سرخ به زندگی انسان بی‌اعتنایی می‌کردند و سرکوب و کشتارهای گسترده‌ای به راه انداختند. آن‌ها کشور را به یک زندان بزرگ تبدیل کردند که بعدها به گورستانی برای نزدیک به سه میلیون نفر از جمله اعضای خودشان و حتی برخی از رهبران ارشد بدل شد (Jain, 2008, pp. 1022-1023). در این رژیم، ازدواج‌ها بین افرادی که قبلاً یکدیگر را نمی‌شناختند، در مراسم عمومی گسترده‌ای برگزار می‌شد. این پیوندها ماهیتی غیرشخصی داشتند. زنان یا به دلیل خشونت یا ترس یا برای اجتناب از اعزام به کار اجباری، به این ازدواج‌ها تن می‌دادند. علاوه‌براین، در صورت امتناع از ازدواج اجباری، فرد با کتک خوردن، زندان یا حتی مرگ مواجه می‌شد. به گفته برخی شاهدان، ازدواج اجباری در کامبوج یک سیاست دولتی بود (Olasolo et al, 2023, p. 1026). لوین اشاره می‌کند که در ازدواج‌های خمرهای سرخ، زنان و مردان گاه به درخواست رؤسای اردوگاه‌های کار یا به‌صورت تصادفی و بر اساس نزدیکی جغرافیایی محل رشدشان جفت می‌شدند. به آن‌ها دستور داده می‌شد که یکدیگر را دوست داشته باشند، در برخی موارد رابطه جنسی برقرار کنند، در یک کمون با هم زندگی کنند یا برعکس، از هم جدا شوند (LeVine, 2010, p. 31).

۱. نها جین، دارای دکتری حقوق از دانشگاه هاروارد و استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه نورث وسترن و پژوهشگر ارشد مؤسسه بوفت نورث وسترن است.

ترزا دلانگیس نیز خاطرنشان می‌کند که در برخی موارد، ازدواج اجباری منجر به طرد اجتماعی و تبعیض می‌شد؛ به‌ویژه برای زنان مطلقه، بیوه یا زنانی که در ازدواج‌های چندهمسری قرار داشتند. این حاشیه‌نشینی اغلب به فرزندان آن‌ها نیز منتقل می‌شد؛ زیرا معمولاً در مراسم ازدواج جامعه خود مشارکت داده نمی‌شدند. گاه قربانیان ترجیح می‌دادند سکوت کنند و از ترس انگ خوردن، تجربیات خود را بازگو نکنند (De Langis et al, 2014, pp. 57 & 61).

تحلیل رویه قضایی شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج در شناسایی ازدواج اجباری نشان می‌دهد این دادگاه با اقتباس از چهارچوب دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده بریما و دیگران، ازدواج اجباری را به‌عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» (جنایت علیه بشریت) به رسمیت شناخت. عنصر محوری از نگاه این دادگاه «اجبار به ورود به رابطه زناشویی در شرایط تحمیلی» بود (ECCC, 2014, para. 1443). در تحلیل دادگاه، دو آسیب متمایز شناسایی شد که به درک جنسیتی این جرم کمک می‌کند. نخست، خود تحمیل وضعیت «همسری» در مراسمی سازمان‌یافته و بدون رضایت به قربانیان و دوم، آسیب‌های متعاقب آن از جمله تجاوزهای پس از ازدواج که عمدتاً متوجه زنان بود. این دادگاه با تشخیص ماهیت «سیاست دولتی» و سیستماتیک ازدواج‌های اجباری در دوره خمرهای سرخ، آن را در چهارچوب حمله گسترده علیه غیرنظامیان قرار داد. بااین‌حال، رویه آن در تبیین ابعاد جنسیتی متفاوت تجربه زنان و مردان قربانی و تمرکز صرف بر آسیب‌های عمومی وضعیت تحمیلی و خشونت جنسی پس از آن، ناکافی و فاقد تحلیل جنسیتی عمیق بود.

۴.۴. رویه دیوان بین‌المللی کیفری

پیش از پرونده اونگون، دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده کاتانگا فرصت داشت تا به مسئله ازدواج اجباری بپردازد. کاتانگا به همراه چوبی، از رهبران یک گروه شورشی در جمهوری دموکراتیک کنگو بود. او متهم به جرائم جنگی و جنایت‌های علیه بشریت از جمله بردگی جنسی شده بود. دادستانی می‌دانست که «دختران جوان ربوده و مجبور به ازدواج با مبارزان می‌شدند» (ICC, Katanga, Opening Statement by the Prosecutor, 2009, p. 12). بااین‌حال، ازدواج اجباری به‌عنوان یک جرم مستقل تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» در کیفرخواست گنجانده نشد. شعبه پیش‌محاکمه به‌صراحت اعلام کرد که بردگی جنسی همچنین، شامل مواردی می‌شود که زنان و دختران به ازدواج اجباری، خدمت‌کاری خانگی یا سایر اشکال کار اجباری همراه با

فعالیت‌های جنسی تحمیلی وادار می‌شوند...» (Katanga, Decision on the confirmation of charges, 2008, para. 431).

نکته جالب توجه این است که تصمیم تأیید اتهامات در پرونده کاتانگا در سپتامبر ۲۰۰۸ صادر شد؛ یعنی تقریباً شش ماه پس از صدور رأی نهایی در پرونده AFRC. قابل تأمل است که قضات در پرونده کاتانگا این تحول قضایی اخیر را مدنظر قرار ندادند. اگرچه دادگاه بدوی کاتانگا می‌توانست طبق ماده ۶۱ (۷) (ج) اساسنامه رم، جلسه را به تعویق اندازد و از دادستان بخواهد اصلاح اتهامات را در نظر بگیرد، چنین اقدامی انجام نداد. این امر را می‌توان با کمبود رویه قضایی بین‌المللی در مورد ازدواج اجباری توضیح داد (Gekker, 2014, pp. 106-107).

دومین پرونده‌ای که در دیوان شاهد بحث درباره ازدواج اجباری بود، پرونده اونگون بود. این پرونده اولین پرونده‌ای بود که دربردارنده بیشترین تعداد اتهامات ناظر بر جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت بود (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۳). فزونی جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت در عدد اتهامات اونگون، نشانه‌ای نویدبخش برای تأمین عدالت جنسیتی قلمداد شد (De Vos Dienneke, 2016). دادستان وقت دیوان در سال ۲۰۱۵، دومینیک اونگون را به‌عنوان مرتکب مستقیم و غیرمستقیم ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت از نوع سایر اعمال غیرانسانی متهم کرد، اما وکلای مدافع استدلال کردند که این عمل باید به‌عنوان جنایت علیه بشریت ناشی از بردگی جنسی تعقیب می‌شد (ICC, Ongwen, Pre Trial Chamber II, 2016, para. 87).

در تصمیم تأیید اتهامات، شعبه مقدماتی دوم نتیجه گرفت که عنصر محوری ازدواج اجباری، تحمیل وضعیت زناشویی بر قربانی صرف‌نظر از اراده او است؛ عملی که به ایجاد ننگ اجتماعی^۱ برای قربانی می‌انجامد. بنابراین، این شعبه اعلام کرد که ازدواج اجباری عمدتاً یک جرم جنسی محسوب نمی‌شود (ICC, Ongwen, Pre Trial Chamber II, 2016, para. 93). شعبه مقدماتی دوم با استناد به رأی تجدیدنظر پرونده AFRC و رویه قضایی دادگاه‌های کامبوج، نتیجه گرفت که ازدواج اجباری می‌تواند به‌عنوان جنایت علیه بشریت از نوع «سایر اعمال غیرانسانی» تعریف شود؛ زیرا زمانی محقق می‌شود که متهم با زور، تهدید یا سوءاستفاده از شرایط اجبار، فرد

1. Social Stigma

یا افرادی را وادار به پذیرش رابطه زناشویی کند و این اقدامات بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی باشد که منجر به رنج شدید یا آسیب جدی به جسم یا سلامت روانی یا جسمانی، با شدتی مشابه سایر جنایات مصرح در ماده ۷ اساسنامه شود (ICC, Ongwen, Pre Trial Chamber II, 2016, para. 89). به نظر شعبه مقدماتی دوم، ازدواج اجباری از نظر شدت با سایر جنایات علیه بشریت تحت ماده ۷ اساسنامه قابل مقایسه است؛ زیرا قربانیان تحت شرایط اجبار به یک رابطه زناشویی وادار می‌شوند (ICC, Ongwen, Pre Trial Chamber II, 2016, para. 90).

در سال ۲۰۲۱، رأی شعبه ۹ دیوان تأیید کرد که جنایت «سایر اعمال غیرانسانی» تحت ماده ۷ (۱) (ک) اساسنامه رم باید به صورت مضیق تفسیر شود تا اصل قانونمندی جرائم رعایت شود (ICC, Ongwen, Trial Chamber IX, 2021, para. 2741). مطابق با تصمیم تأیید اتهامات، شعبه ۹ دیوان تمایز بین جنایت بردگی جنسی و سایر اعمال غیرانسانی را تشریح کرد.

- بردگی جنسی ناظر بر اعمال قدرت ناشی از حق مالکیت بر خودمختاری جنسی قربانی است.

- درحالی‌که سایر اعمال غیرانسانی شامل تحمیل رابطه زناشویی بر قربانی می‌شود (ICC, Ongwen, Trial Chamber IX, 2021, paras. 3070, 3082-3084).

علاوه بر این، شعبه ۹ دیوان تأکید کرد که ازدواج اجباری لزوماً مستلزم اعمال حق مالکیت بر فرد (عنصر ذاتی بردگی جنسی) نیست (ICC, Ongwen, Trial Chamber IX, 2021, para. 2750). شعبه همچنین، اعلام کرد که آسیب ناشی از این عمل شامل طرد قربانیان از جامعه، تروماهای روانی، حمله شدید به کرامت آن‌ها و محرومیت از حق بنیادین انتخاب همسر است (ICC, Ongwen, Trial Chamber IX, 2021, para. 2749).

شکاف نگران‌کننده‌ای در رویه قضایی بین‌المللی در خصوص تعریف و دسته‌بندی جرم ازدواج اجباری وجود دارد. چرا این رویه‌ها چنین متنوع هستند؟ پاسخ ممکن است در دشواری تعریف جرائم بین‌المللی به‌ویژه ازدواج اجباری نهفته باشد. بدیهی است که ازدواج اجباری جرمی پیچیده و چندلایه است که ارائه تعریف دقیق از آن دشوار است (امیری، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۹). دلیل دیگر ممکن است این احساس باشد که نیازی به جرمی جدید و مستقل نیست؛ زیرا ازدواج اجباری می‌تواند ذیل «سایر اعمال غیرانسانی» قرار گیرد. یک عمل می‌تواند به عنوان عمل غیرانسانی تلقی شود اگر معیارهای کلی یعنی آستانه مشخصی داشته باشد. درعین حال، شناخت عناصر جرم

- حداقل تا حدی - برای این ارزیابی ضروری است. بدون دانستن اینکه کدام اعمال ازدواج اجباری را تشکیل می‌دهند، چگونه می‌توان گفت که این اعمال تشکیل‌دهنده از نظر ماهیت و شدت مشابه سایر جرائم مصرحه علیه بشریت هستند؟ علاوه بر این، برای تمایز قائل شدن بین ازدواج اجباری و اعمال غیرمجرمانه دیگر (مثلاً ازدواج‌های ترتیب داده شده)، روشن‌سازی لازم است (Czelusniak, 2016). ملاحظه دیگر این است که تعریف یک جرم برای همه دادگاه‌های بین‌المللی لزوماً یکسان نیست تا ازدواج اجباری به عنوان جرم شناخته شود. دادگاه‌های مختلف این اختیار را دارند که مناسب‌ترین تعاریف را برای پوشش اعمال مجرمانه خاص در حوزه صلاحیت خود انتخاب کنند؛ به‌ویژه زمانی که خود جرم نه در اساسنامه آن‌ها تصریح شده است نه وضعیت حقوق عرفی بین‌المللی را دارد (فاقد رویه یا اعتقاد حقوقی). در عین حال، مرسوم است که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی هنگام تعیین قانون، به تفسیرهای یکدیگر در رویه قضایی استناد می‌کنند و به آن‌ها ارجاع متقابل می‌دهند (Cryer et al, 2019, p. 12).

در مجموع، جدیدترین پرونده‌های رسیدگی شده در دادگاه‌های بین‌المللی نشان‌دهنده روند فزاینده و در حال تحول جرم‌انگاری ازدواج اجباری است (Mionki, 2010, p. 270). به‌رغم این روند، آشکار است که رویه‌های قضایی مختلفی توسعه یافته است. ازدواج اجباری هم به عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» تعقیب و محکوم شده و هم به عنوان جرم جنسی ذیل «بردگی جنسی» تلقی شده است. در سایر موارد (اگرچه ازدواج اجباری به‌طور خاص مورد تعقیب قرار نگرفته است)، ازدواج اجباری به عنوان «بردگی زناشویی» یا صرفاً بردگی در نظر گرفته شده است. این ناهماهنگی صرفاً شکلی نیست، بلکه بازتاب تفاوت در معیارهای محوری تفسیری توسط محاکم مختلف است. در رویکردی، دادگاه‌ها با اعمال حق مالکیت و کنترل مطلق بر خودمختاری جنسی قربانی، ازدواج اجباری را ذیل بردگی جنسی تحلیل کرده‌اند. در رویکردی دیگر، با محور قرار دادن تحمیل وضعیت رابطه‌ای (همسری) و پیامدهای روانی-اجتماعی ویرانگر آن، این عمل را به عنوان سایر اعمال غیرانسانی دسته‌بندی کرده‌اند. بنابراین، انتخاب وصف کیفری تا حد زیادی به این بستگی دارد که کدام بعد از ابعاد چندگانه این جرم (کنترل جنسی یا تحمیل وضعیت اجتماعی) در بافت پرونده مورد توجه و تأکید اصلی دادگاه قرار گیرد. پرونده اونگون با تفصیل بخشیدن به رویکرد دوم، گامی مهم در جهت هماهنگ‌سازی و تثبیت یک چهارچوب تحلیلی جامع‌تر

برداشت.

در نتیجه، ادعای مطرح شده در ابتدای این بخش مبنی بر «وجود اجماع در حقوق بین‌الملل کیفری در مورد تعقیب و محکومیت ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت تحت عنوان سایر اعمال غیرانسانی» با واقعیت مطابقت ندارد. گرچه روند فزاینده‌ای در تعقیب ازدواج اجباری به عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» وجود دارد، این رویه یکسان نیست. افزون‌براین، ازدواج اجباری به عنوان جرم شناخته شده، اما تعریف روشن‌تری مورد نیاز است.

۵. ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری در رویه محاکم کیفری بین‌المللی

ازدواج اجباری که در چهارچوب درگیری‌های مسلحانه یا جنایات جمعی رخ می‌دهد، جرمی به شدت جنسیتی شده است. هنجارهای جنسیتی برساخته اجتماعی، انتخاب هدف‌های ازدواج اجباری را عمدتاً زنان و دختران تعیین می‌کنند؛ زیرا مرتکبان بر این باورند که زنان باید پاسخ‌گوی نیازهای جنسی و خانگی مردان جنگجو باشند و نسل بعدی جنگجویان را به دنیا آورند و پرورش دهند. حتی در مواردی که هم مردان و هم زنان مجبور به ازدواج می‌شوند مانند مورد رژیم خمرهای سرخ، زنان و دختران اغلب در معرض قربانی شدن جنسیتی مضاعف قرار می‌گیرند. در اوگاندا، اگرچه عناصری از قربانی شدن سربازان مرد جوان در چهارچوب ازدواج اجباری وجود داشت، شواهد نشان می‌داد که قربانی شدن خشونت‌بار مداوم دختران و زنان از مرتبه‌ای کاملاً متفاوت برخوردار بود و هرگونه عاملیت را از آنان سلب می‌کرد.

تمام پرونده‌های ازدواج اجباری بررسی شده در اینجا، سیرالئون، کامبوج، اوگاندا و مالی، حاوی یک عنصر مشترک چشمگیر بودند؛ یک طرح یا سیاست ریشه‌دار و مشترک برای ازدواج اجباری که توسط رهبری مرد طراحی و اجرا شده بود. دادگاه ویژه سیرالئون دریافت که شورشیان یک طرح سازمان‌یافته و گسترده برای اجرای ازدواج اجباری به کار گرفته بودند (RUF Trial Judgment, 2009, Paras. 2070 & 2158-2159). شعبه‌های فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج خاطرنشان کرد که پل پوت و خیمو سامفان، به عنوان رهبران خمرهای سرخ، به طور خاص سیاست‌های ازدواج اجباری این رژیم را ترویج می‌کردند (ECCC, 2014, Paras. 3567 & 3569). به طور مشابه، دیوان بین‌المللی کیفری یک طرح مشترک برای ربودن و ازدواج اجباری بین جوزف کُنی، دومینیک اونگون و دیگر رهبران ارتش مقاومت خداوند شناسایی کرد (ICC, Ongwen).

(Trial Judgment, 2021, p.3089). در مالی نیز دیوان بین‌المللی کیفری شواهدی را پذیرفت که نشان می‌داد گروه‌های مسلح با همکاری پلیس محلی، دختران و زنان را به صورت سیستماتیک مجبور به ازدواج می‌کردند (ICC, Al Hassan Confirmation of Charges, 2020, p. 582). بنابراین، طراحی و اجرای سیاست ازدواج اجباری قلمروی مردانه است؛ جایی که رهبران نظامی و سیاسی مرد در چهارچوبی پدرسالارانه و در میانه درگیری‌های آکنده از مردسالاری هژمونیک حکمرانی می‌کنند (Connell, 2014, p. 5).

علاوه بر این، سیاست ازدواج اجباری شامل استفاده از تجاوز جنسی (و به طور گسترده‌تر خشونت جنسی) نیز می‌شود. این خشونت، «امتدادی جامعه‌پسند از اقتدار مردانه است؛ راهی برای کسب و حفظ قدرت و تسلط بر زنان» (Baumeister, 2018, p. 48). با وجود این، ابعاد جنسیتی جرائم ازدواج اجباری و تجاوز جنسی توسط دادگاه‌ها و محاکم مورد توجه قرار نگرفته است. رفتار با دختران و زنان در قالب ازدواج اجباری در بستر جنایات، توسط محاکم بین‌المللی در چهارچوب تبعیض و خشونت گسترده‌تر علیه زنان بررسی نشده یا اگر هم اشاره‌ای به تبعیض علیه زنان شده، بسیار گذرا و مختصر بوده است.

در مقابل، دو دادگاه بین‌المللی عملاً امکان قربانی شدن مردان در ازدواج اجباری را البته در دو موقعیت متفاوت نادیده گرفته‌اند. یافته‌های شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج درباره تجاوز جنسی در ازدواج اجباری، مردان را از وضعیت قربانی خارج کرده است و دیوان بین‌المللی کیفری نیز این ادعا را که سربازان ارتش مقاومت پروردگار نیز در ازدواج تحت اجبار قرار گرفته‌اند، رد کرده است. هرچند تجربه زنان در ازدواج اجباری، چه در پرونده کامبوج و چه در پرونده ارتش مقاومت پروردگار، متفاوت و به‌ویژه خشونت‌بارتر از مردان بوده است، این امر نباید به محرومیت مردان بالقوه قربانی از دسترسی به عدالت منجر شود.

ازدواج اجباری اغلب علیه زنان متعلق به همان گروه اعمال می‌شود. این نشان می‌دهد که ازدواج اجباری، آن‌گونه که در بیشتر این مطالعات موردی مشاهده شده است، جرمی نیست که صرفاً برای هدف قرار دادن دشمن یا نمایش برتری بر مردان دشمن انجام شود، بلکه جرمی است برای کنترل - عمدتاً - دختران و زنان. در ازدواج اجباری، زنان صرفاً به دلیل زن بودنشان قربانی می‌شوند و حتی وقتی مردان نیز قربانی هستند، زنان به دلیل جنسیتشان قربانی شدن

خسونت‌بارتری را تجربه می‌کنند.

جنسیت به‌عنوان یک برساخته اجتماعی، نقش زنان را در وظایف خانگی، ارائه خدمات جنسی و تولیدمثل تعریف می‌کند. این نقش در هیچ جای دیگری بیش از ازدواج که اگر با رضایت دو بزرگسال انجام شود، می‌تواند رابطه‌ای شگفت‌انگیز، مشارکتی و عاشقانه باشد، تجلی نمی‌یابد، اما بدون رضایت، این عمل محرومیتی از حق تشکیل خانواده و حق آزادی و امنیت شخصی است؛ تجسمی از سلطه مردان و فرودستی زنان که در بستر درگیری مسلحانه، جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی تشدید می‌شود.

حقوق بین‌الملل کیفری تاکنون در رویه قضایی خود به این بُعد جنسیتی ازدواج اجباری توجه شایسته‌ای نکرده است. هرچند دیوان بین‌المللی کیفری در احکام اخیر خود (به‌ویژه پرونده اونگون) با الهام از حقوق بین‌الملل بشر، گام‌هایی در راستای تدوین تعریفی روشن از ازدواج اجباری برداشته و حتی ماهیت جنسیتی آن را به‌عنوان عامل تشدید مجازات به رسمیت شناخته، این اقدامات هنوز ناکافی و فاقد جامعیت لازم است. رویه دیوان می‌تواند مبنایی برای تلاش‌های آتی جهت تصریح جرم مستقل ازدواج اجباری در اساسنامه رم یا الحاقات آن باشد. اکنون باقی می‌ماند که دیوان بین‌المللی کیفری در احکام آتی خود به‌طور صریح و نظام‌مند به ماهیت به‌شدت جنسیتی ازدواج اجباری به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی بپردازد و چهارچوب تحلیلی خود را در این زمینه بسط دهد.

۶. چالش‌های اثباتی و قضایی در ارزیابی جنسیتی ازدواج اجباری در پرونده دومینیک اونگون

شواهد ازدواج اجباری ارائه‌شده در هر دو پرونده اونگون و الحسن مربوط به دختران و زنانی است که به‌زور با مرتکبان مرد ازدواج کرده‌اند. بالاین‌حال، وضعیت تحت ارتش مقاومت پروردگار پیچیده بود. برخی از محققان خاطرنشان کرده‌اند که وضعیت ازدواج اجباری در ارتش مقاومت پروردگار به نفع فرماندهان مرد بود با «همسرانی» که بر اعضای مرد رده پایین تحمیل می‌شد (Aijazi & Baines, 2017, p. 463). آن‌ها خاطرنشان می‌کنند که درحالی‌که برخی سربازان مرد ارتش مقاومت پروردگار (بالا‌تر از درجه گروه‌بان) می‌توانستند «همسران» خود را انتخاب کنند، دیگران نمی‌توانستند و سربازان سابق ارتش مقاومت پروردگار اظهار داشتند که «همسران» از طریق فشار و حتی تحت تهدید مجازات برای «رد کردن دختری که به‌عنوان همسر به شما داده

شده است» ارائه می‌شدند (Aijazi & Baines, 2017, p.476). رد کردن یک همسر می‌توانست به‌عنوان «یک عمل بی‌انضباطی» دیده شود (Denov & Drumbl, 2020, p. 360). دامنه مجازات به‌طور جامع گزارش نشده است، اما می‌توانست شامل تنزل درجه یا مجازات شدید باشد. برخی از سربازان فقط پسر بودند و برای خواستن یک همسر خیلی جوان بودند (ECCC, 2018, pp.3690-3691). بنابراین، محققان این احتمال را مطرح می‌کنند که به‌جز «همسران» قربانی، برخی از «شوهران» نیز تحت ازدواج اجباری قرار گرفته‌اند (Denov & Drumbl, 2020, p. 360).

درعین‌حال، واضح است که هرگونه تحمیل بر مردان با تجربه و اجبار دختران و زنان برابر نبود. مردان گزارش دادند که می‌توانستند انتخاب همسر خود را با فرمانده خود مذاکره کنند یا درخواست یک همسر کنند؛ زیرا یکی را می‌خواستند (Aijazi & Baines, 2017, p. 476). برخی از آنان از لذت بردن از نفس عمل ربایش دختران سخن گفتند، و گروهی دیگر آشکارا از تجاوز به دختران و زنانی گفتند که آنان را «همسر» خود می‌نامیدند، در حالی که به خوبی می‌دانستند این «همسران» با آنان تمایلی به رابطه جنسی ندارند (Denov & Drumbl, 2020, p. 359). یک شاهد که در پرونده اونگون شهادت داد، اظهار داشت که «در جنگل آسان نیست که یک زن پیدا کنید. بنابراین، منطقی نیست که زن را رد کنید مگر اینکه زن واقعاً زشت یا دافعه داشته باشد» که نشان می‌دهد امتناع امکان‌پذیر بود (ICC, Ongwen, Decision on the Confirmation of Charges, 2016).

توضیحات تجربیات سربازان سابق ارتش مقاومت پروردگار همچنان به‌طور ذاتی با اجبار دختران و زنان مرتبط است. آبیازی و بینز خاطرنشان می‌کنند که مصاحبه‌شونده آن‌ها، کو^۱، مجبور به ازدواج با زنی شده بود که او را بی‌احترام و منزجرکننده می‌دانست (Aijazi & Baines, 2017, p. 477). این تصور از «همسر» به‌عنوان «شخص نامحترم و منزجرکننده» به‌راحتی می‌توانست از رفتار او در امتناع از انجام کارهای خانه یا رابطه جنسی ناشی شود که از شهادت‌ها در پرونده اونگون مشخص است که یک واکنش رایج توسط دختران و زنان بود. درنهایت، کو توانست برای انتقال «همسر» خود به خانه دیگری استدلال کند، اما این تغییر، وضعیت اجباری

1. Co

ازدواج را خاتمه نداد و زن کماکان به‌منابه کالایی قابل مبادله بین مردان باقی ماند. دنوف^۱ و درامبل^۲ خاطرنشان می‌کنند که «بسیاری از شرکت‌کنندگان، احساسات مثبتی در مورد همسران و فرزندان خود بیان کردند. شرکت‌کنندگان ابراز کردند که چگونه همسرانشان با انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان از آن‌ها حمایت کردند» (Denov and Drumbl, 2020, p.361). بااین‌حال، تمام «همسران» مجبور به انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان بودند و اشتباه است که بگوییم این یک «احساس مثبت» از یک سرباز ارتش مقاومت پروردگار است که بگوید «همسر» او کارهای خانه را برای حمایت از او انجام می‌داد. لذا در چهارچوب ارتش مقاومت پروردگار حتی اگر ازدواج‌ها همیشه برای برخی از سربازان مرد انتخابی نبود، شرایط به‌مراتب کمتر از دختران و زنان خشونت‌آمیز بود و برای بسیاری، هنوز آزادی مذاکره و انتخاب در آن «ازدواج» وجود داشت. بنابراین، هرگونه ارزیابی از تجربه مردان باید با ظرافت در پرتوی تجربیات دختران و زنان در این ازدواج‌های اجباری در نظر گرفته شود.

دفتر دادستان و قضات دیوان بین‌المللی کیفری فرصت بررسی این ظرافت‌ها را در پرونده اونگون از دست دادند. دادستان ازدواج اجباری را به‌عنوان جنایتی که علیه زنان و دختران ربوده‌شده انجام شده بود، ارائه کرد. درحالی‌که دفاعیه استدلال کرد که هر دو جنس مؤنث و مذکر در روابط «ازدواج» مجبور به پیروی از الزامات «ازدواج» بودند، قضات حکم دادند که تحمیل ازدواج بر مردان «در ارتش مقاومت پروردگار مسئله‌ای نبود». باوجوداین، دادگاه شهادت‌هایی در مورد مجازات مردان در صورت امتناع از ازدواج شنید که شامل عدم دادن همسر برای مدت طولانی، کتک زدن یا نیاز به توضیح برای امتناع می‌شد. برای مثال، شاهد پ-۰۱۴۲ شهادت داد که یک مرد می‌توانست چندین بار از یک همسر امتناع کند. پس از آن، دادگاه دریافت که هیچ مدرک قطعی وجود ندارد که اگر یک مرد از یک همسر امتناع کند، کشته خواهد شد (برخلاف دختران و زنان که برای امتناع تهدید به مرگ می‌شدند) (ICC, Ongwen Trial Judgment, 2021, p. 2229).

۱. میریام دنوف، استاد تمام و صاحب کرسی تحقیقاتی کانادا در زمینه جوانان، جنسیت و درگیری‌های مسلحانه در دانشگاه مک‌گیل است.

۲. مارک درامبل، استاد ممتاز دانشکده حقوق دانشگاه واشینگتن و لی است.

در حالی که شهادت‌ها قطعاً تفاوت در شرایط اجباری برای مردان و زنان را نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که دادگاه به اندازه کافی ادعاهای قربانی شدن مردان را ارزیابی نکرده یا تجربه مردان را در چهارچوب محیط اجباری که دختران و زنان تجربه کرده‌اند، قرار نداده است.

روشی که دیوان بین‌المللی کیفری ماهیت جنسیتی جنایات ارتكابی توسط ارتش مقاومت پروردگار را تصدیق کرده است، در حکم مجازات اونگون ظاهر شد که در آن دادگاه بدوی حکم داد که یک عامل تشدیدکننده در مجازات اونگون برای جرم ازدواج اجباری این بود که جنایات با انگیزه تبعیض‌آمیز، بر اساس جنسیت انجام شده است (ICC, Ongwen, 2021, p. 288). این حکم بر «تلاش هماهنگ و روشمند... برای ربودن زنان و دختران»، مجبور کردن آن‌ها به «ازدواج» و به عنوان خدمت‌کاران خانگی استوار بود (ICC, Ongwen, 2017, p.73). این یک تصمیم مثبت در تعیین مجازات است که امیدواریم به احکام آینده (و تجدیدنظر) نیز سرایت کند.

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که به‌رغم شناسایی ازدواج اجباری به عنوان جنایتی بین‌المللی در اسناد و رویه قضایی، سه چالش عمده جنسیتی در این زمینه وجود دارد. نخست، تعاریف موجود نتوانسته‌اند ابعاد جنسیتی این پدیده را به‌طور کامل بازتاب دهند. دوم، سازوکارهای اثباتی جرم، ماهیت سیستماتیک و ساختاری خشونت علیه زنان در ازدواج‌های اجباری را نادیده می‌گیرند. سوم، سوگیری‌های جنسیتی در فرایند دادرسی مانع تحقق کامل عدالت برای قربانیان شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی، به واکاوی نظام‌مند ابعاد جنسیتی ازدواج اجباری و ارزیابی میزان موفقیت این نهادها در شناسایی و رسیدگی به آن پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری بین‌المللی پیشرفت‌های نظری قابل توجهی در شناسایی صوری این پدیده به عنوان جنایت بین‌المللی داشته، اما در بازتاب ماهیت جنسیتی این جرم با ناکامی‌های عملی و چالش‌های ساختاری مواجه بوده است.

رویه دادگاه ویژه سیرالئون، شعب فوق‌العاده محاکم کامبوج و دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که ازدواج اجباری به عنوان جرمی مستقل در اساسنامه هیچ‌کدام از محاکم بین‌المللی جرم‌انگاری نشده است، اما در عمل، نظام دادرسی بین‌المللی توانسته است آن را در ذیل «سایر اعمال غیرانسانی» به عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کند. به‌رغم این شناسایی، محاکم کیفری

بین‌المللی نتوانسته‌اند به درستی ماهیت جنسیتی آن را بازتاب دهند. تنوع در تعبیرها از بردگی جنسی و بردگی زناشویی تا سایر اعمال غیرانسانی، حاکی از عدم وضوح در عناصر سازنده جرم به‌ویژه در ارتباط با مفهوم اجبار است. بررسی پرونده دومینیک اونگون به‌عنوان نمونه‌ای شاخص، نشان‌دهنده این تناقض است که چگونه حتی در مواردی که این جرم تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» پیگیری شده، تفسیر قضایی از عنصر اجبار، عمدتاً مبتنی بر معیارهای عینی و فیزیکی بوده است و ابعاد روانی-اجتماعی و ساختاری اجبار که به‌طور خاص بر زنان تأثیر می‌گذارد، نادیده گرفته شده است.

پژوهش تأیید می‌کند که ازدواج اجباری جرمی ذاتاً جنسیتی است که در بستر هنجارهای مردسالارانه طراحی و اجرا می‌شود و قربانیان آن عمدتاً زنان و دختران هستند. با این حال، محاکم بین‌المللی در تحلیل خود نتوانسته‌اند به‌طور نظام‌مند این بعد را در تبیین عنصر عمد، زمینه ارتکاب جرم یا تعیین مجازات منعکس کنند. نمونه بارز آن، نادیده گرفتن یا بررسی سطحی ادعای قربانی بودن مردان در برخی پرونده‌ها (مانند کامبوج و اونگون) بدون تحلیل تطبیقی عمیق با تجربه به‌مراتب خشونت‌بارتر زنان است.

در سطح مفهومی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تعاریف موجود در حقوق بین‌الملل کیفری از درک کامل پیچیدگی‌های جنسیتی این پدیده ناتوان هستند. این ناتوانی ریشه در دو عامل دارد. نخست، غالب بودن گفتمان حقوقی سنتی که تجارب زیسته زنان را به حاشیه می‌راند و دوم، عدم توجه کافی به زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی که در آن ازدواج اجباری به‌عنوان ابزاری برای کنترل جنسیتی اعمال می‌شود.

در سطح دادرسی، یافته‌ها حاکی از وجود سوگیری‌های جنسیتی نظام‌مند و ساختاری در فرایندهای دادرسی است. این سوگیری‌ها در معیارهای اثبات جرم، نحوه تفسیر قوانین، سازوکارهای جبران خسارت و حتی در عدم در نظرگیری سیستماتیک خشونت سازمان‌یافته علیه زنان متجلی شده است. به‌عنوان مثال، در بسیاری از موارد، شهادت قربانیان زن به دلیل پیش‌فرض‌های جنسیتی موجود در نظام دادرسی، با تردید مواجه شده است. با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویه اخیر دیوان بین‌المللی کیفری به‌ویژه در پرونده اونگون، حاکی از تحولی امیدبخش هرچند ناکافی است. این تحول نشان‌دهنده حرکت تدریجی نظام عدالت کیفری بین‌المللی به سمت درک بهتر ابعاد جنسیتی جرائم است، اما این پیشرفت‌ها زمانی می‌تواند مؤثر

واقع شود که با تغییرات ساختاری در سه سطح همراه باشد.

نخست، در سطح هنجاری-تقنینی ضرورت دارد ازدواج اجباری به‌عنوان جرمی مستقل در اساسنامه رم یا در چهارچوب اسناد بین‌المللی جدید جرم‌انگاری شود. علاوه‌براین، نیازمند بازتعریف ازدواج اجباری با تأکید بر ابعاد جنسیتی آن هستیم. این بازتعریف باید بتواند اشکال چندگانه اجبار (فیزیکی، ساختاری و روانی) که عمدتاً زنان را هدف قرار می‌دهد و هدف جنسیتی آن (کنترل تولیدمثل، تحمیل نقش‌های جنسیتی و تثبیت سلطه) را دربرگیرد. دوم، در سطح دادرسی ضرورت اصلاح معیارهای اثباتی با در نظر گرفتن شرایط خاص قربانیان زن احساس می‌شود. این شامل توسعه «اصول تفسیر جنسیتی» برای قضات بین‌المللی و طراحی مکانیسم‌های ویژه برای حمایت از قربانیان در فرایند دادرسی است. رویه مثبت دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه اونگون مبنی بر تشخیص انگیزه تبعیض‌آمیز جنسیتی به‌عنوان عامل تشدید مجازات باید تثبیت و به رویه‌ای ثابت در تمام محاکم تبدیل شود. سوم، در سطح جبرانی نیازمند توسعه سازوکارهایی هستیم که بتواند به نیازهای خاص قربانیان زن پاسخ دهد. این شامل غرامت‌های مالی، خدمات درمانی و روان‌درمانی ویژه و برنامه‌های بازادغام اجتماعی است که با توجه به شرایط جنسیتی طراحی شده باشند.

درنهایت، می‌توان اظهار داشت که تحقق عدالت جنسیتی در مورد ازدواج اجباری مستلزم تحولی فراتر از تغییرات حقوقی صرف است. شناسایی صوری ازدواج اجباری به‌تنهایی برای تضمین عدالت جنسیتی کافی نیست. عبور از این شناسایی به سمت اجرای ماهوی و جنسیت آگاهانه، نیازمند عزمی فراتر از حیطه قضایی صرف است. این تحول نیازمند بازنگری اساسی در گفتمان حاکم بر حقوق بین‌الملل کیفری، تغییر ساختارهای قدرت در نهادهای قضایی بین‌المللی و مشارکت فعال نهادهای مدنی زنان در فرایندهای قانون‌گذاری و قضایی بین‌المللی است. تنها از طریق چنین تحول جامعی می‌توان به رویکردی یکپارچه و جنسیت‌محور در مواجهه با این جرم دست یافت.

منابع

- ۱) امیری، فاطمه (۱۳۸۹). توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون. مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۳، صص. ۲۶۷-۲۹۱.
- ۲) توحیدی، احمدرضا و داداشی، آزاده (۱۳۹۸). رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی. مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۹، صص. ۷-۴۰.
- ۳) ذاکر حسین، محمدهادی (۱۴۰۱). دیوان بین‌المللی کیفری و انتخاب وصف منصفانه برای ازدواج اجباری. دوفصلنامه حقوق بشر، سال ۱۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۳، صص. ۹۷-۱۱۶.
- ۴) رادمهر، فرزانه و ترشیزی، لیلا (۱۳۹۹). جرائم علیه زنان در حقوق کیفری بین‌المللی. مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۵، صص. ۱۱-۱۳.
- ۵) مقدسی، محمدباقر و عامری، زهرا (۱۳۹۵). ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت‌انگاری تا جرم‌انگاری. آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۲، صص. ۱۶۹-۱۹۸.
- 6) Aijazi, Omer, & Baines, Erin. (2017). Relationality, culpability and consent in wartime: Men's experiences of forced marriage. *International Journal of Transitional Justice*, 11(1). <https://doi.org/10.1093/ijtj/ijx023>
- 7) Andréewitch, Amelia Möller. (2020). Forced marriage - A "new" crime against humanity? Faculty of Law, Lund University.
- 8) Askin, Kelly D. (2011). Crimes against women under international criminal law. In Bartram S. Brown (Ed.), *Research handbook on international criminal law* (pp. 84-113).
- 9) Baumeister, H. (2018). *Sexualised crimes, armed conflict and the law*. Abingdon: Routledge.
- 10) Bunting, Annie. (2012). "Forced marriage" in conflict situations: Researching and prosecuting old harms and new crimes. *The Canadian Journal of Human Rights*, 1(1), 165-185. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19>
- 11) Charlesworth, Hilary, Chinkin, Christine, & Wright, Shelley. (1991). Feminist approaches to international law. *American Journal of International Law*, 85(4). <https://doi.org/10.2307/2203269>
- 12) Christensen, Cameron. (2015). Forced marriage at the Cambodian crossroads: ECCC can develop a new crime against humanity. *Brigham Young University Law Review*, 2015(6), 1825-1845. <https://digitalcommons.law.byu.edu/lawreview/vol2015/iss6/14>
- 13) Committee on the Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW). (n.d.).
- 14) Connell, Raewyn. (2005). *Masculinities* (2nd ed.). Polity Press.
- 15) Cryer, Robert, Robinson, Daryl, & Vasiliev, Sergey. (2019). *An introduction to*

- international criminal law and procedure (4th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- 16) Czelusniak, Tanja. (2016). Forced marriage as a crime against humanity (PluriCourts Research Paper No. 17-02).
 - 17) De Langis, T., Strasser, J., Kim, T., & Taing, S. (2014). Like ghost changes body: A study on the impact of forced marriage under the Khmer Rouge regime. Transcultural Psychosocial Organisation.
 - 18) De Vos, Dienneke. (2016, February 4). Confirmation of charges hearing in Ongwen case: Hopeful signs for gender justice? IntLawGrrls.
 - 19) Denov, Mariam S., & Drumbl, Mark A. (2020). The many harms of forced marriage: Insights for law from ethnography in northern Uganda. *Journal of International Criminal Justice*, 18(2). <https://doi.org/10.1093/jicj/mqaa007>
 - 20) Eboe-Osuji, Chie. (2012). Forced marriage—An international crime? In C. Eboe-Osuji (Ed.), *International law and sexual violence in armed conflicts*. Martinus Nijhoff.
 - 21) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2010, September 15). Co-Prosecutors v. Nuon Chea and Khieu Samphan (Closing Order, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/OCIJ).
 - 22) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2014, August 7). The Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith (Trial Judgment, Case File No. 002/02).
 - 23) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2016, June 14). Request for leave to submit amicus curiae brief for forced marriage (Trial Chamber).
 - 24) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2018, November 16). Prosecutor v. Nuon Chea & Khieu Samphan (Trial Judgment, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/TC).
 - 25) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2018, November 16). The Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith (Summary of Judgment in Case 002/02, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/TC).
 - 26) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2022, December 23). Prosecutor v. Khieu Samphan (Appeal Judgment, Case File No. 002/19-09-2007-ECCC/SC).
 - 27) Frulli, Micaela. (2008). Advancing international criminal law: The Special Court for Sierra Leone recognizes forced marriage as a "new" crime against humanity. *Journal of International Criminal Justice*, 6(5), 1033–1042. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqn063>
 - 28) Gekker, Elena. (2014). Rape, sexual slavery, and forced marriage at the International Criminal Court: How Katanga utilizes a ten-year-old rule but overlooks new jurisprudence. *Hastings Women's Law Journal*, 25(1), 105–133. <https://repository.uclawsf.edu/hwlj/vol25/iss1/7>
 - 29) Gong-Gershowitz, Jennifer. (2009). Forced marriage: A "new" crime against humanity? *Northwestern Journal of International Human Rights*, 8(1), 53–75. <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/njihr/vol8/iss1/3>
 - 30) Human Rights Watch. (2003, January). "We'll kill you if you cry": Sexual

- violence in the Sierra Leone conflict (Vol. 15, No. 1).
- 31) Human Rights Watch. (2015, April 14). Iraq: ISIS escapees describe systematic rape. <https://www.hrw.org/news/2015/04/14/iraq-isis-escapees-describe-systematic-rape>
 - 32) International Criminal Court Office of the Prosecutor. (2014, June). Policy paper on sexual and gender-based crimes.
 - 33) International Criminal Court Office of the Prosecutor. (2019, July 17). Strategic plan 2019–2021.
 - 34) International Criminal Court. (2008, October 14). Prosecutor v. Katanga and Chui (Decision on the Confirmation of Charges, Doc. No. ICC-01/04-01/07-717).
 - 35) International Criminal Court. (2009, November 24). The Case of the Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui (Opening Statement, Doc. No. ICC-01/04-01/07). The Hague.
 - 36) International Criminal Court. (2016, March 23). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Decision on the Confirmation of Charges, Doc. No. ICC-02/04-01/15-422-Red).
 - 37) International Criminal Court. (2017, January 16). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Transcript of Trial Chamber IX, Testimony of Prof. Allen, Doc. No. ICC-02/04-01/15-T-28-ENG).
 - 38) International Criminal Court. (2020, April 23). Prosecutor v. Al Hassan (Decision on the Confirmation of Charges, Pre-Trial Chamber).
 - 39) International Criminal Court. (2021, February 4). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Trial Judgment, Trial Chamber IX, Doc. No. ICC-02/04-01/15).
 - 40) International Criminal Court. (2021, May 6). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Sentence, Doc. No. ICC-02/04-01/15).
 - 41) International Criminal Court. (2022, December 15). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Judgment on the Appeal of Mr Ongwen against the Decision of Trial Chamber IX, Case No. ICC-02/04-01/15 A).
 - 42) International Criminal Tribunal for Rwanda. (1998, September 2). Prosecutor v. Akayesu (Trial Judgment, Case No. ICTR-96-4-T).
 - 43) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (2001, February 22). Prosecutor v. Kunarac et al. (Trial Judgment, Case No. IT-96-23 & IT-96-23/1-T).
 - 44) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (2001, November 2). Prosecutor v. Kvočka et al. (Trial Judgment, Case No. IT-98-30/1-T).
 - 45) International Federation for Human Rights. (2018). Cambodia: In landmark verdict, the Khmer Rouge Tribunal recognizes forced marriage as a crime against humanity and convicts former Khmer Rouge leaders for genocide.
 - 46) Jain, Neha. (2008). Forced marriage as a crime against humanity: Problems of definition and prosecution. *Journal of International Criminal Justice*, 6(5), 1013–1032. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqn064>
 - 47) Kalra, Monika Satya. (2001). Forced marriage: Rwanda's secret revealed. *U.C. Davis Journal of International Law & Policy*, 7(2), 197–221.
 - 48) LeVine, Peg. (2010). Love and dread in Cambodia: Weddings, births, and ritual

- harm under the Khmer Rouge. National University of Singapore Press.
- 49) Manne, Kate. (2018). *Down girl: The logic of misogyny*. Oxford University Press.
- 50) Mionki, Judy. (2010). The evolving trend to criminalize forced marriage in international criminal law. In Nikos Lavranos et al. (Eds.), *Hague yearbook of international law* (Vol. 23, pp. 269–310).
https://doi.org/10.1163/9789004244689_011
- 51) Olasolo, Héctor, et al. (2023). Forced marriage and its legal characterization as a crime against humanity: Sexual slavery, other inhumane acts, or both? *International Law Clinic Reports*, 4. Bogotá: Universidad del Rosario.
<https://urosario.edu.co/sites/default/files/2023-03/Forced-Marriage.pdf>
- 52) Oosterveld, Valerie. (2019). Forced marriage: Terminological coherence and dissonance in international criminal law. *William & Mary Bill of Rights Journal*, 27(4). <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19>
- 53) Rosenthal, Indira, Oosterveld, Valerie, & SáCouto, Susana (Eds.). (2022). *Gender and international criminal law*. Oxford University Press.
- 54) Scharf, Michael, & Matter, Suzanne. (2005). *Forced marriage: Exploring the viability of the Special Court for Sierra Leone's new crime against humanity* (Case Research Paper in Legal Studies Working Paper).
<https://ssrn.com/abstract=824291>
- 55) Special Court for Sierra Leone. (2006, October 25). *Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao* (Oral Decision on RUF Motions for Judgment of Acquittal Pursuant to Rule 98, Case No. SCSL-04-15-T).
- 56) Special Court for Sierra Leone. (2007, June 20). *Prosecutor v. Brima et al.* (AFRC Case) (Trial Judgment, Case No. SCSL-2004-16-T).
- 57) Special Court for Sierra Leone. (2008, February 22). *Prosecutor v. Brima et al.* (AFRC Case) (Appeals Judgment, Case No. SCSL-04-16-A).
- 58) Special Court for Sierra Leone. (2009, April 8). *Prosecutor v. Sesay et al.* (RUF Case) (Trial Judgment, Case No. SCSL-04-15-T-1251).
- 59) Special Court for Sierra Leone. (2012, May 18). *Prosecutor v. Charles Taylor* (Trial Judgment, Case No. SCSL-03-01-T).
- 60) United Nations Secretary-General. (2010, November 24). *Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolutions 1820 (2008) and 1888 (2009)* (U.N. Doc. A/65/592*-S/2010/604*).
- 61) United Nations Secretary-General. (2019, March 29). *Conflict-related sexual violence: Report of the Secretary-General* (U.N. Doc. S/2019/280).
- 62) United Nations Security Council. (2008, June 19). *Security Council Resolution 1820* (S/RES/1820).
- 63) United Nations Security Council. (2010, December 16). *Security Council Resolution 1960* (S/RES/1960).
- 64) United Nations. (2010, January 2). *Secretary-General appoints Margot Wallström of Sweden as Special Representative on Sexual Violence in Conflict* [Press release].
- 65) Van Schaack, Beth. (2008). *Engendering genocide: The Akayesu case before the*

International Criminal Tribunal for Rwanda. Santa Clara Law Digital Commons.

- 66) Zinsstag, Estelle, & Busck-Nielsen Claeys, Virginie. (2018). Sexual violence as an international crime, the restorative paradigm and the possibilities of a more just response. In M. Bergsmo (Ed.), Thematic prosecution of international sex crimes. Beijing: TOAEP.
<http://researchrepository.napier.ac.uk/Output/4174397>



References

- 1) Aijazi, Omer, & Baines, Erin. (2017). Relationality, culpability and consent in wartime: Men's experiences of forced marriage. *International Journal of Transitional Justice*, 11(1). <https://doi.org/10.1093/ijtj/ijx023>
- 2) Amiri, Fatemeh (1389 SH/2010). Tawsi'eh-ye Hoquq-e Beynalmelal-e Keyfari bar Pāyeh-ye Jorm-angāri-ye Ezdavāj-e Ejbārī beh 'Unvān-e Jenāyat 'alayh-e Bašarīyat tavassat-e Dādghāh-e Veīzeh-ye Siyārāliyyūn [Development of International Criminal Law Based on the Criminalization of Forced Marriage as a Crime Against Humanity by the Special Court for Sierra Leone]. *Majalleh-ye Hoquqi-ye Beynalmelali [International Law Review]*, Vol. 27, No. 43, pp. 267–291 [in Persian].
- 3) Andréewitch, Amelia Möller. (2020). Forced marriage – A "new" crime against humanity? Faculty of Law, Lund University.
- 4) Askin, Kelly D. (2011). Crimes against women under international criminal law. In Bartram S. Brown (Ed.), *Research handbook on international criminal law* (pp. 84–113).
- 5) Baumeister, H. (2018). *Sexualised crimes, armed conflict and the law*. Abingdon: Routledge.
- 6) Bunting, Annie. (2012). "Forced marriage" in conflict situations: Researching and prosecuting old harms and new crimes. *The Canadian Journal of Human Rights*, 1(1), 165–185. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19>
- 7) Charlesworth, Hilary, Chinkin, Christine, & Wright, Shelley. (1991). Feminist approaches to international law. *American Journal of International Law*, 85(4). <https://doi.org/10.2307/2203269>
- 8) Christensen, Cameron. (2015). Forced marriage at the Cambodian crossroads: ECCC can develop a new crime against humanity. *Brigham Young University Law Review*, 2015(6), 1825–1845. <https://digitalcommons.law.byu.edu/lawreview/vol2015/iss6/14>
- 9) Committee on the Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW). (n.d.).
- 10) Connell, Raewyn. (2005). *Masculinities* (2nd ed.). Polity Press.
- 11) Cryer, Robert, Robinson, Daryl, & Vasiliev, Sergey. (2019). *An introduction to international criminal law and procedure* (4th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- 12) Czelusniak, Tanja. (2016). Forced marriage as a crime against humanity (PluriCourts Research Paper No. 17-02).
- 13) De Langis, T., Strasser, J., Kim, T., & Taing, S. (2014). Like ghost changes body: A study on the impact of forced marriage under the Khmer Rouge regime. Transcultural Psychosocial Organisation.
- 14) De Vos, Dieneke. (2016, February 4). Confirmation of charges hearing in Ongwen case: Hopeful signs for gender justice? *IntLawGrrls*.
- 15) Denov, Mariam S., & Drumbl, Mark A. (2020). The many harms of forced marriage: Insights for law from ethnography in northern Uganda. *Journal of International Criminal Justice*, 18(2). <https://doi.org/10.1093/jicj/mqaa007>

- 16) Eboe-Osuji, Chile. (2012). Forced marriage—An international crime? In C. Eboe-Osuji (Ed.), *International law and sexual violence in armed conflicts*. Martinus Nijhoff.
- 17) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2010, September 15). *Co-Prosecutors v. Nuon Chea and Khieu Samphan* (Closing Order, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/OCIJ).
- 18) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2014, August 7). *The Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith* (Trial Judgment, Case File No. 002/02).
- 19) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2016, June 14). Request for leave to submit amicus curiae brief for forced marriage (Trial Chamber).
- 20) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2018, November 16). *Prosecutor v. Nuon Chea & Khieu Samphan* (Trial Judgment, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/TC).
- 21) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2018, November 16). *The Prosecutor v. Nuon Chea, Khieu Samphan, Ieng Sary & Ieng Thirith* (Summary of Judgment in Case 002/02, Case File No. 002/19-09-2007/ECCC/TC).
- 22) Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. (2022, December 23). *Prosecutor v. Khieu Samphan* (Appeal Judgment, Case File No. 002/19-09-2007-ECCC/SC).
- 23) Frulli, Micaela. (2008). Advancing international criminal law: The Special Court for Sierra Leone recognizes forced marriage as a "new" crime against humanity. *Journal of International Criminal Justice*, 6(5), 1033-1042.
<https://doi.org/10.1093/jicj/mqn063>
- 24) Gekker, Elena. (2014). Rape, sexual slavery, and forced marriage at the International Criminal Court: How Katanga utilizes a ten-year-old rule but overlooks new jurisprudence. *Hastings Women's Law Journal*, 25(1), 105-133.
<https://repository.uclawsf.edu/hwlj/vol25/iss1/7>
- 25) Gong-Gershowitz, Jennifer. (2009). Forced marriage: A "new" crime against humanity? *Northwestern Journal of International Human Rights*, 8(1), 53-75.
<https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/njihr/vol8/iss1/3>
- 26) Human Rights Watch. (2003, January). "We'll kill you if you cry": Sexual violence in the Sierra Leone conflict (Vol. 15, No. 1).
- 27) Human Rights Watch. (2015, April 14). Iraq: ISIS escapees describe systematic rape. <https://www.hrw.org/news/2015/04/14/iraq-isis-escapees-describe-systematic-rape>
- 28) International Criminal Court Office of the Prosecutor. (2014, June). Policy paper on sexual and gender-based crimes.
- 29) International Criminal Court Office of the Prosecutor. (2019, July 17). Strategic plan 2019-2021.
- 30) International Criminal Court. (2008, October 14). *Prosecutor v. Katanga and Chui* (Decision on the Confirmation of Charges, Doc. No. ICC-01/04-01/07-717).
- 31) International Criminal Court. (2009, November 24). *The Case of the Prosecutor*

- v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui (Opening Statement, Doc. No. ICC-01/04-01/07). The Hague.
- 32) International Criminal Court. (2016, March 23). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Decision on the Confirmation of Charges, Doc. No. ICC-02/04-01/15-422-Red).
- 33) International Criminal Court. (2017, January 16). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Transcript of Trial Chamber IX, Testimony of Prof. Allen, Doc. No. ICC-02/04-01/15-T-28-ENG).
- 34) International Criminal Court. (2020, April 23). Prosecutor v. Al Hassan (Decision on the Confirmation of Charges, Pre-Trial Chamber).
- 35) International Criminal Court. (2021, February 4). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Trial Judgment, Trial Chamber IX, Doc. No. ICC-02/04-01/15).
- 36) International Criminal Court. (2021, May 6). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Sentence, Doc. No. ICC-02/04-01/15).
- 37) International Criminal Court. (2022, December 15). Prosecutor v. Dominic Ongwen (Judgment on the Appeal of Mr Ongwen against the Decision of Trial Chamber IX, Case No. ICC-02/04-01/15 A).
- 38) International Criminal Tribunal for Rwanda. (1998, September 2). Prosecutor v. Akayesu (Trial Judgment, Case No. ICTR-96-4-T).
- 39) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (2001, February 22). Prosecutor v. Kunarac et al. (Trial Judgment, Case No. IT-96-23 & IT-96-23/1-T).
- 40) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (2001, November 2). Prosecutor v. Kvočka et al. (Trial Judgment, Case No. IT-98-30/1-T).
- 41) International Federation for Human Rights. (2018). Cambodia: In landmark verdict, the Khmer Rouge Tribunal recognizes forced marriage as a crime against humanity and convicts former Khmer Rouge leaders for genocide.
- 42) Jain, Neha. (2008). Forced marriage as a crime against humanity: Problems of definition and prosecution. *Journal of International Criminal Justice*, 6(5), 1013-1032. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqn064>
- 43) Kalra, Monika Satya. (2001). Forced marriage: Rwanda's secret revealed. *U.C. Davis Journal of International Law & Policy*, 7(2), 197-221.
- 44) LeVine, Peg. (2010). *Love and dread in Cambodia: Weddings, births, and ritual harm under the Khmer Rouge*. National University of Singapore Press.
- 45) Manne, Kate. (2018). *Down girl: The logic of misogyny*. Oxford University Press.
- 46) Mionki, Judy. (2010). The evolving trend to criminalize forced marriage in international criminal law. In Nikos Lavranos et al. (Eds.), *Hague yearbook of international law* (Vol. 23, pp. 269-310). https://doi.org/10.1163/9789004244689_011
- 47) Moqaddasi, Mohammad Baqir, & Ameri, Zahra (1395 SH/2016). Ezdavāj-e Ejbārī; az Mamnū'iyat-angārī tā Jorm-angārī [Forced Marriage; From Prohibiting to Criminalizing]. *Amoozeh-hay-e Hoquq-e Keyfari [Criminal Law Doctrines]*, No. 12, pp. 169-198 [in Persian].

- 48) Olasolo, Héctor, et al. (2023). Forced marriage and its legal characterization as a crime against humanity: Sexual slavery, other inhumane acts, or both? International Law Clinic Reports, 4. Bogotá: Universidad del Rosario.
<https://urosario.edu.co/sites/default/files/2023-03/Forced-Marriage.pdf>
- 49) Oosterveld, Valerie. (2019). Forced marriage: Terminological coherence and dissonance in international criminal law. William & Mary Bill of Rights Journal, 27(4). <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199300983.013.19>
- 50) Radmehr, Farzaneh, & Torshizi, Leila (1399 SH/2020). Jarā'im 'alayh-e Zanān dar Hoqūq-e Keyfari-ye Beynalmelali [Crimes Against Women in International Criminal Law]. Majalleh-ye Elmi-ye Feqh, Hoquq va Olum-e Jaza [Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Penal Sciences], No. 15, pp. 11-13 [in Persian].
- 51) Rosenthal, Indira, Oosterveld, Valerie, & SáCouto, Susana (Eds.). (2022). Gender and international criminal law. Oxford University Press.
- 52) Scharf, Michael, & Matter, Suzanne. (2005). Forced marriage: Exploring the viability of the Special Court for Sierra Leone's new crime against humanity (Case Research Paper in Legal Studies Working Paper).
<https://ssrn.com/abstract=824291>
- 53) Special Court for Sierra Leone. (2006, October 25). Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao (Oral Decision on RUF Motions for Judgment of Acquittal Pursuant to Rule 98, Case No. SCSL-04-15-T).
- 54) Special Court for Sierra Leone. (2007, June 20). Prosecutor v. Brima et al. (AFRC Case) (Trial Judgment, Case No. SCSL-2004-16-T).
- 55) Special Court for Sierra Leone. (2008, February 22). Prosecutor v. Brima et al. (AFRC Case) (Appeals Judgment, Case No. SCSL-04-16-A).
- 56) Special Court for Sierra Leone. (2009, April 8). Prosecutor v. Sesay et al. (RUF Case) (Trial Judgment, Case No. SCSL-04-15-T-1251).
- 57) Special Court for Sierra Leone. (2012, May 18). Prosecutor v. Charles Taylor (Trial Judgment, Case No. SCSL-03-01-T).
- 58) Tohidi, Ahmadreza, & Dadashi, Azadeh (1398 SH/2019). Rūykerd-e Maḥākem-e Beynalmelali-ye Keyfari dar Barkord bā Ezdavāj-e Ejbāri beh 'Unvān-e Košūnat-e Jensi [Approach of International Criminal Tribunals in Dealing with Forced Marriage as Sexual Violence]. Majalleh-ye Pazhoheshhay-e Hoquqi [Law Research Magazine], No. 39, pp. 7-40 [in Persian].
- 59) United Nations Secretary-General. (2010, November 24). Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolutions 1820 (2008) and 1888 (2009) (U.N. Doc. A/65/592*-S/2010/604*).
- 60) United Nations Secretary-General. (2019, March 29). Conflict-related sexual violence: Report of the Secretary-General (U.N. Doc. S/2019/280).
- 61) United Nations Security Council. (2008, June 19). Security Council Resolution 1820 (S/RES/1820).
- 62) United Nations Security Council. (2010, December 16). Security Council Resolution 1960 (S/RES/1960).
- 63) United Nations. (2010, January 2). Secretary-General appoints Margot

- Wallström of Sweden as Special Representative on Sexual Violence in Conflict [Press release].
- 64) Van Schaack, Beth. (2008). Engendering genocide: The Akayesu case before the International Criminal Tribunal for Rwanda. Santa Clara Law Digital Commons.
- 65) Zakerhossein, Mohammad Hadi (1401 SH/2022). Dīvān-e Beynalmelālī-ye Keyfari va Entekāb-e Vaṣf-e Monṣefāneh barāye Ezdavāj-e Ejbāri [International Criminal Court and Selecting a Fair Characterization for Forced Marriage]. Do-faslnameh-ye Hoquq-e Bashar [Human Rights Biannual Journal], Vol. 17, No. 1, Consecutive No. 33, pp. 97–116 [in Persian].
- 66) Zinsstag, Estelle, & Busck-Nielsen Claeys, Virginie. (2018). Sexual violence as an international crime, the restorative paradigm and the possibilities of a more just response. In M. Bergsmo (Ed.), Thematic prosecution of international sex crimes. Beijing: TOAEP.
<http://researchrepository.napier.ac.uk/Output/4174397>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی